

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Examining the international responsibility of governments in the field of protection and sustainable exploitation of the environment and biodiversity in the sea beyond national jurisdiction based on the 2023 resolution of the united nations

Amir Nezam Barati ^{1*}, Zakieh Taghizadeh ²

1. Assistant Professor of Law, Department of Law, Faculty of Maritime commissar, Imam Khomeini Maritime Science University, Mazandaran, Iran.

2. PhD in International Law, International Legal Department, Ministry of Foreign Affairs Department of Law and Political Science, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 2023/06/1

Revised: 2024/01/13

Accepted: 2023/12/6

Keywords:

International responsibility of governments and non-governmental organizations, conservation and sustainable exploitation, environment and biodiversity, seas beyond the continental shelf and economic exclusive zone

*Corresponding author:

✉ a.barati@ikhnsu.ac.ir

orcid: [0000-0002-0129-6670](https://orcid.org/0000-0002-0129-6670)

doi: [10.52547/joc.14.55.9](https://doi.org/10.52547/joc.14.55.9)

doi:

ABSTRACT

Background and Theoretical Foundations: Since 2011, the United Nations has held meetings to negotiate the possibility of creating a new international treaty to protect marine biodiversity. UN working group called the High Seas Alliance, with the participation of 27 non-governmental organizations, plus the International Union for Conservation of Nature, is creating a new treaty to provide additional protection measures and improve the sustainable use of marine resources. The creation of an updated and binding legal framework to protect marine life in areas beyond national boundaries, known as the high seas, has been discussed for more than a decade, but previous efforts to reach an agreement have repeatedly stalled. Finally, for the first time, United Nations members agreed on Saturday, March 4, 2023, on a unified treaty to protect biodiversity in the high seas - nearly half of the planet's surface.

Methodology: In this research, the international responsibility of government's protection and sustainable exploitation of the environment and biodiversity in the sea beyond national jurisdiction were investigated using the descriptive-analytical method.

Findings: High seas and the seabed surface make up 45% of the earth's surface and make it a valuable resource. However, this valuable resource and all its organisms are now severely threatened by habitat loss, climate change, ocean acidification, pollution, and overexploitation in commercial fisheries.

Conclusion: As of 2023, there is no binding legal mechanism to establish marine protected areas outside the jurisdiction and sovereignty of countries, or to conduct environmental impact assessments. However, increasing impacts from overfishing, climate change, deep-sea mining and shipping continue to negatively impact biodiversity in the high seas. Establishing a legal order from a different normative and structural perspective the High Sea- the ocean area that lies beyond the waters under the national jurisdiction of countries- is the largest habitat on Earth and home to millions of species.



NUMBER OF TABLES

0



NUMBER OF FIGURES

0



NUMBER OF REFERENCES

71

مقاله پژوهشی

نشریه علمی پژوهشی اقیانوس‌شناسی: (حقوق دریاها)

بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در زمینه‌ی حفاظت و بهره‌برداری پایدار از محیط‌زیست و تنوع زیستی در دریا فراتر صلاحیت ملی بر اساس مصوبه ۲۰۲۳ سازمان ملل

امیرنظام براتی،^{۱*} زکویه تقی زاده^۲

۱- استادیار حقوق دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، مازندران، ایران.

۲- دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

بیشینه و مبانی نظری پژوهش: از سال ۲۰۱۱ سازمان ملل متحد جلساتی را برای مذاکره درباره امکان ایجاد یک پیمان بین‌المللی جدید برای محافظت از تنوع زیستی دریایی برگزار کرده است. گروه کاری سازمان ملل متحد تحت عنوان ائتلاف دریاهای آزاد با مشارکت ۲۷ سازمان غیردولتی، به‌علاوه اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، ایجاد یک پیمان جدید برای ارائه اقدامات اضافی حفاظت و بهبود استفاده پایدار از منابع دریایی می‌باشد. ایجاد چارچوب حقوقی و الزام‌آور به‌روز شده برای حفاظت از حیات دریایی در مناطق خارج از مرزهای ملی، معروف به دریاهای آزاد، بیش از یک دهه مورد بحث قرار گرفته است، اما تلاش‌های قبلی برای دستیابی به توافق بارها متوقف شده بود که در نهایت برای اولین بار، اعضای سازمان ملل متحد روز شنبه، ۴ مارس ۲۰۲۳، در مورد یک معاهده یکپارچه برای حفاظت از تنوع زیستی در دریاهای آزاد - تقریباً نیمی از سطح سیاره زمین، به توافق رسیدند.

روش‌شناسی: در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حفاظت و بهره‌برداری پایدار از محیط‌زیست و تنوع زیستی در دریا فراتر از منطقه انحصاری اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: در حقیقت دریاهای آزاد و سطح بستر دریا ۴۵ درصد از سطح کره زمین را تشکیل می‌دهد و آن را به یک منبع بالارزش تبدیل می‌کند. باین‌حال، این منبع ارزشمند و تمام موجودات آن در حال حاضر به‌شدت تحت خطر از بین رفتن زیستگاه، تغییر آب‌وهوا، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، آلودگی و بهره‌برداری بیش‌ازحد در شیلات تجاری هستند.

نتیجه‌گیری: تا سال ۲۰۲۳، هیچ مکانیسم قانونی الزام‌آور برای ایجاد مناطق حفاظت‌شده دریایی در خارج از صلاحیت قضایی و حاکمیت کشورها، یا برای انجام ارزیابی اثرات زیست‌محیطی وجود نداشته است. باین‌حال تأثیرات فزاینده ناشی از صید بی‌رویه، تغییرات آب‌وهوا، استخراج معادن در اعماق دریا و کشتیرانی همچنان بر تنوع زیستی در دریاهای آزاد تأثیر منفی می‌گذارد. ایجاد نظم حقوقی از منظر مختلف هنجاری و ساختاری دریای آزاد، منطقه اقیانوسی که فراتر از آب‌های تحت صلاحیت ملی کشورها قرار دارد، بزرگ‌ترین زیستگاه روی زمین و خانه میلیون‌ها گونه است. با توجه به اینکه در حال حاضر فقط بیش از ۱٪ از دریاهای آزاد محافظت می‌شود، معاهده جدید مسیری را برای ایجاد مناطق حفاظت‌شده دریایی در این آب‌ها فراهم می‌کند. همچنین ابزاری کلیدی برای کمک به تحقق هدف اخیر توافق شده کونمینگ-مونتروال مبنی بر حداقل ۳۰ درصد حفاظت از اقیانوس جهان تا سال ۲۰۳۰ است که به‌تازگی در دسامبر ۲۰۲۲ مورد توافق قرار گرفته است. این موافقت‌نامه حداقل سطح حفاظتی که دانشمندان برای حفاظت از تنوع زیستی هشدار می‌دهند را در بردارد و برای اطمینان از یک اقیانوس سالم ضروری است. در حقیقت معاهده جدید حکمرانی اقیانوس‌ها را به قرن بیست و یکم وارد می‌کند، از جمله ایجاد الزامات مدرن برای ارزیابی و مدیریت فعالیت‌های انسانی برنامه‌ریزی‌شده که بر حیات دریایی در دریاهای آزاد و همچنین تضمین شفافیت بیشتر تأثیر می‌گذارد. این امر مدیریت مؤثر منطقه‌ای ماهیگیری، کشتیرانی و سایر فعالیت‌هایی را که به کاهش کلی سلامت اقیانوس‌ها کمک کرده‌اند، بسیار تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی:

نشریه

اقیانوس‌شناسی

قالب

پژوهشی

علوم انسانی

مدیریت

*نویسنده مسئول

✉ a.barati@ikhnsu.ac.ir

orcid: 0000-0002-0129-6670

doi: 10.52547/joc.14.55.9

dor:

مقدمه

بین‌الملل معتقد است مسئولیت بین‌المللی دولت در نتیجه ارتکاب عمل متخلفان بین‌المللی صرف‌نظر از وقوع خسارت محقق می‌شود. به عبارت دیگر، چنین عمل متخلفان ای در قالب نقض یک تعهد معاهداتی یا هنجار شناخته‌شده حقوق بین‌الملل عرفی قابل تحقق است.

باین‌حال، دولت‌ها گاهی فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که علی‌رغم این که بر اساس حقوق بین‌الملل هیچ منعی در انجام آن ندارند، به سایر دولت‌ها خسارتی وارد می‌نماید. این قبیل فعالیت‌های مشروع که عموماً واجد ویژگی زیان‌بار هستند می‌توانند خسارات جبران‌ناپذیری به سایر اشخاص حقوق بین‌الملل وارد کنند. خسارت‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک یا زیان‌بار نظیر فعالیت‌های هسته‌ای یا حمل‌ونقل نفت در دریاها و نیز صدمات وارد به ارگانسیم‌های نو ترکیب ژنتیکی از جمله خساراتی هستند که بدون ارتکاب فعل متخلفان بین‌المللی موجب ورود خسارت می‌شوند. بدین ترتیب کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۷۸ رسماً موضوع مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده را بنا به توصیه مجمع عمومی سازمان ملل تحت بررسی و در دستور کار خود قرارداد. نتیجه فعالیت کمیسیون در این زمینه، تصویب دو طرح پیش‌نویس پیشگیری از زیان فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک مصوب ۲۰۰۱ و طرح اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک مصوب ۲۰۰۶ بوده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در رویه خود میان اعمال متخلفان بین‌المللی و اقدامات آسیب‌رسانی که با حقوق بین‌الملل مغایرت ندارند قائل به تفکیک شده است. اولین مفهوم منجر به طرح مسئولیت بین‌المللی و دومی موجب طرح مسئولیت مدنی^۱ در قبال نتایج و عواقب آسیب‌رسان می‌گردد. رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال متخلفان همچنین تمایز میان قواعد اولیه و ثانویه را مقرر می‌نماید که اولی، ناظر بر تعهدات است و دومی، نتایج و آثار حقوقی ناتوانی در ایفای تعهدات اولیه را در بردارد [3]. برای مقاصد بند پیش رو، موضوع مسئولیت دولت‌ها و متصدیان فعالیت‌های زیان‌بار در قبال آثار و عواقب آسیب‌رسان ناشی از اعمالی که در تعارض با حقوق بین‌الملل قرار ندارند و به عبارت دیگر منع نشده‌اند از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه^۲ مسئولیت ناشی از عواقب و آثار فعالیت‌های آسیب‌رسانی که در حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند بیان می‌دارد که مسئولیت مدنی با وجود چهار عامل محقق می‌شود: اول وقوع فعالیت انسانی، دوم فعالیت مربوطه بایستی در سرزمین یا کنترل یک دولت ارتکاب یابد. سوم، فعالیت مربوطه باید قابلیت این که به زیان و خسارت منجر شود را داشته باشد و چهارم اینکه باید خسارت واقعی به اشخاص یا اشیای واقع در قلمروی سرزمین یا کنترل دولت دیگر وارد شده باشد [4]. نکته حائز اهمیت آنکه برخلاف مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که بدون وقوع خسارت یا زیان هم قابل تحقق است، مفهوم مسئولیت در این معنا، مستلزم وقوع خسارت واقعی است. در حقیقت محدوده اعمال مسئولیت مدنی شامل فعالیت‌های قانونی می‌شود که خطر وقوع خسارت جدی فرامرزی از طریق نتایج فیزیکی ناشی از آن‌ها را به وجود می‌آورند. چنین خسارتی به‌زعم

وقایع و حوادث محیط‌زیستی به‌ویژه کاهش روزافزون منابع آسیب‌پذیر دریایی و فرسایش گونه‌های ناب گیاهی و جانوری به جامعه‌ی بین‌المللی هشدار می‌دهد که حفاظت و صیانت از محیط‌زیست، یک تعهد بین‌المللی است و نقض آن موجبات تحقق مسئولیت بین‌المللی ناقضان آن را فراهم می‌سازد. وفق مقررات و اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌ها از حقوق حاکم برای بهره‌برداری از منابع طبیعی واقع در قلمروی تحت صلاحیت خود برخوردارند و نیز در قبال خسارات و زیان‌هایی که از قلمروی تحت صلاحیت آن‌ها به محیط‌زیست سایر دولت‌ها و یا مناطق و سرزمین‌های خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها وارد می‌شود مسئولیت دارند.

در این مقاله مسئولیت مشترک دولت و نهادهای غیردولتی، قابلیت اعمال نظام مسئولیت بین‌المللی بر حقوق ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست دریایی، ضرورت تدوین نظام حقوقی خاص مسئولیت بین‌المللی در زمینه^۳ حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی به‌منزله میراث مشترک بشریت، اجرای مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث مشترک بشریت به‌منزله یک تعهد در قبال همگان و سپس مروری بر توافق تاریخی ۲۰۲۳ نمایندگان سازمان ملل و نهادهای غیردولتی در مورد حفاظت از تنوع زیستی دریایی در آب‌های بین‌المللی موردبررسی قرار می‌گیرد و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه خواهد گردید.

۱- مسئولیت مشترک دولت‌ها و نهادهای در زمینه^۴ موضوعات محیط‌زیستی

زیربنای اندیشه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پاسداری از محیط‌زیست، نقض تعهدات بین‌المللی آن‌ها در ایفای وظایفی است که منجر به ورود خسارت و زیان به سایر قلمروها یا اشخاص می‌گردد. مسئولیت بین‌المللی دولت در نتیجه نقض تعهد یا تعهدات آن دولت به موجب حقوق بین‌الملل تحقق می‌یابد و بسته به نوع تعهد نقض شده رابطه حقوقی جدیدی میان دولت مذکور و دولتی که به وی خسارت وارد شده است یا جامعه‌ی بین‌المللی در کل آن وارد می‌شود به‌طوری‌که دولت اول را در قبال سایرین مسئول قلمداد می‌کند. [1] حقوقدانان کلاسیک برای تحقق مسئولیت دولت‌ها در قبال فعل یا ترک فعل در عرصه بین‌المللی، وجود سه پیش‌شرط را ضروری می‌دانند. اول وجود یک تعهد بین‌المللی و قابل‌اجرا، دوم انتساب وقوع فعل یا ترک فعل به دولت مربوطه و سوم اثبات خسارت یا زیان‌های وارد به‌طرف مقابل [2]. مواد پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها در خصوص مسئولیت در قبال اعمال متخلفان بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ تنها بر مبنای اصل مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال اعمال قابل استناد به آن‌ها و نیز اعمال متخلفان بین‌المللی ارتکابی بناشده است. بنا بر ماده ۱ طرح مذکور، هر فعل متخلفان بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. بر این اساس، کمیسیون حقوق

فعالیت‌های خطرناک، مسئولیت نهایی جهت پیگیری تحقق مسئولیت جبران کافی، فوری و مؤثر خسارات از سوی متصدی را متوجه دولت‌ها می‌داند. بنا بر اصل چهارم از اصول فوق‌الذکر، چنین مسئولیتی مستلزم اثبات تقصیر نیست و هرگونه شرط، محدودیت یا استثناء به آن بایستی با رعایت شروط خاصی (مندرج در اصل سوم پیش‌نویس) اعمال گردد. کمیسیون در اصل چهارم طرح اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک بیان می‌کند که مبنای مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک، مسئولیت بدون تقصیر، مسئولیت عینی یا تئوری خطر است. در رویه معاهداتی، این اصل به‌غیر از کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اجسام فضایی ۱۹۷۲، در اکثر کنوانسیون‌های تصویب‌شده در حوزه مسئولیت مدنی برای آلودگی نفتی، هسته‌ای و خسارات ناشی از محصولات نوترکیب ژنتیکی مورد استناد واقع شده است.

ضرورت کاربرد نظریه خطر یا مسئولیت بدون تقصیر برای جبران خسارات زیست‌محیطی همچنین در رویه دولت‌ها، نظام‌های حقوقی و دکتین موضوعی قابل توجه است.^۳ دلیل عمده اهمیت این موضوع، لزوم اطمینان از جبران مؤثر خسارات زیست‌محیطی و نیز تشویق متصدیان و عاملان فعالیت‌های خطرناک برای پیشگیری از ایراد خسارات زیست‌محیطی است، به طوری که متصدی با آگاهی از مسئولیت محض خود و به‌منظور اجتناب از تحمل هزینه‌های ناشی از جبران آسیب‌های وارده، خطرات ناشی از فعالیت خود را مدیریت نموده و به حداقل می‌رساند [10]. انستیتوی حقوق بین‌الملل در این رابطه پیش‌نویسی با عنوان مسئولیت و مسئولیت بدون تقصیر برای خسارت زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۷ به تصویب رساند و در آن مسئولیت محض^۴ یا مسئولیت به‌صرف ورود زیان را برای اعمال غیر ممنوعه در نظر گرفته است [11].

پروتکل مکمل ناگویا [12] مصوب ۲۰۱۰ الحاقی به پروتکل ایمنی زیستی کارتاخنا [13] مصوب سال ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ رویکرد مسئولیت محض را مورد توجه قرار داده است. موضوع این پروتکل، مسئولیت ناشی از جابجایی بین‌المللی ارگانسیم‌های ژنتیکی نوترکیب است [14] و مانند سایر رژیم‌های قراردادی مسئولیت از شناسایی مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌های عضو خودداری کرده و به‌جای آن بر مسئولیت متصدیان فعالیت‌های مربوط به محصولات نوترکیب مبنی بر اطلاع‌رسانی فوری، ارزیابی خسارات و اتخاذ تدابیر واکنشی تأکید می‌کند [13].

رویکرد خصوصی‌سازی مسئولیت در حوزه جبران خسارات ناشی از اعمال غیر ممنوعه تا حدود زیادی رویکرد مسلط در اسناد و رویه بین‌المللی به شمار می‌رود [14]. باین‌حال شاهد آن هستیم که در حیطه‌هایی از حقوق از جمله مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک، رویه به سمت وسوی مسئولیت جمعی پیش می‌رود. این موضوع به‌ویژه در مواقعی

حقوقدانان باید ماهوی یا جدی باشد زیرا مسئولیت مدنی در قبال خسارات اندک و غیرقابل توجه محقق نمی‌شود [4]. در این زمینه کمیسیون حقوق بین‌الملل با دشواری‌های زیادی در خصوص تمایز میان فعالیت‌های خطرناک و فوق‌العاده جدی با سایر فعالیت‌ها مواجه بوده است.

در رویه بین‌المللی، فعالیت‌های هسته‌ای و نیز مسائل ناشی از اشیائی که از فضای ماورای جو به زمین پرتاب می‌شوند به‌عنوان فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک و با پتانسیل آسیب‌رسانی موجبات طرح مسئولیت مدنی را برای عوامل آن فراهم نموده‌اند [6] [5]. بدین ترتیب، مفهوم «آثار و عواقب آسیب‌رسان ناشی از اعمالی که با حقوق بین‌الملل در تعارض قرار ندارند» در قبال خسارات وارد بر تنوع زیستی از دامنه محدودی برخوردار بوده و تنها در زمینهٔ فعالیت‌های بسیار خطرناک اعمال می‌شود. این در حالی است که به‌زعم کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس مسئولیت ناشی از فعالیت‌های موجد آسیب فرامرزی، عمده زیان‌های زیست‌محیطی جدی در نتیجه فعالیت‌هایی اتفاق می‌افتد که ماهیت «متخلفان» ندارند اما آثار کلی ناشی از آن‌ها زیان‌بار است.^۱

به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران، قاعده طلایی مسئولیت در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، پیشگیری از وقوع خسارت و نه جبران بعد از وقوع آن است به دلیل آنکه در غالب موارد از جمله انقراض تنوع زیستی و بیولوژیکی از قبیل گونه‌های جانوری یا گیاهی، جبران خسارات و آسیب‌های وارد به محیط‌زیست غیرممکن به نظر می‌رسد. همچنین در موارد آلودگی و فرسایش تدریجی اکوسیستم‌ها از طریق تخلیه آلاینده‌های پایدار در دریا، جبران خسارات واقعه بسیار هزینه‌زا و طاقت‌فرسا است. در طرح پیش‌نویس اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک سال ۲۰۰۶، ضرورت توجه به‌عقده پیشگیری، اطلاع‌رسانی و تعهد به دسترسی به عدالت به‌منظور جبران خسارات به‌عنوان یک تکلیف اساسی قید شده است. این تکالیف در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به چنان جایگاهی دست‌یافته‌اند که می‌توان ادعا نمود که امروزه واجد ویژگی عرفی هستند. برای تأیید این مدعا، دیوان بین‌المللی دادگستری ابتدا در سال ۱۹۴۹ در قضیه کانال کورفو برای دولت‌ها تعهدی مبنی بر پیشگیری از رهگذر منع استفاده زیان‌بار از سرزمین شناسایی کرد [7] و سپس در سال ۱۹۹۶ در قضیه مشورتی مربوط به سلاح هسته‌ای این اصل را جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی نمود [8]. همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری اخیراً در قضیه کارخانه خمیر کاغذ بین آرژانتین و اروگوئه ماهیت عرفی این اصل را مورد تأکید قرار داده است [9].

طرح اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک به دنبال توسعه حقوق بین‌الملل از طریق تدوین اصول و قواعد عمومی حاکم بر جبران خسارت فرامرزی ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل است.^۲ این طرح ضمن شناسایی مسئولیت اولیه برای متصدیان

انصاری، مسئولیت ناشی از مهدی و کاتوزیان برای مطالعه بیشتر در این رابطه ر.ک به ناصر ۳، ۳۸ دوره سیاسی، علوم و حقوق دانشکده حقوق، فصلنامه خسارات‌های زیست‌محیطی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، صص. ۲۸۵-۳۱۳.

۴ strict liability

۱. report of the international law commission on the work of its forty-second session, op.cit.

۲. ر.ک به مقدمه طرح اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک مصوب ۲۰۰۶.

توسط نیکاراگوئه [17] و ادعای تخلف کاستاریکا از تعهدات کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون رامسر، معاهده منطقه‌ای حفاظت از طبیعت و معاهده دوجانبه مناطق حفاظت‌شده فرامرزی [18] می‌گردد. ضرورت توجه به مسئولیت جهانی در قبال حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی ایجاب می‌کند نگاهی به تعهدات مندرج در معاهدات و اسناد حقوقی الزام‌آور محیط‌زیستی در زمینه نظام مسئولیت بین‌المللی انداخته شود و قابلیت اعمال نظام اخیر را در نظم حقوقی بین‌المللی ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست از منظر رویه قضایی و عرف بین‌المللی مورد مدافعه قرار دهیم. در حقوق بین‌المللی، حفاظت از محیط‌زیست، اصل عدم ورود زیان زیست‌محیطی به سرزمین دیگر دولت‌ها برای نخستین بار در قضیه داوری تریال اسملتر میان ایالات متحده آمریکا و کانادا در سال ۱۹۳۸ مطرح گردید که منجر به محکومیت کانادا به علت ورود خسارات ناشی از عملیات مربوط به ذوب مواد صنعتی آمریکا در کلمبیا شد. در این رابطه دیوان داوری پس از رسیدگی‌های جامع و رجوع به نظام حقوقی ایالات متحده مقرر داشته است که «بر طبق اصول حقوق بین‌الملل و همچنین قواعد ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که موجب ورود خسارت توسط آن کشور به کشوری دیگر گردد» [18]. به عبارت دیگر، دولت‌ها متعهد به جلوگیری از بروز آسیب و خسارت به اموال اشخاص در قلمروی کشوری دیگر هستند. مفهوم این اصل که در رویه قضایی بین‌المللی در قضیه کانال کورفو دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹ به نوعی دیگر مطرح شده بود، بعدها در ماده ۲۱ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، اعلامیه منشور جهانی طبیعت مصوب سال ۱۹۸۲ مجمع عمومی و ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ مورد تأکید قرار گرفت. ماده ۲۱ اعلامیه استکهلم در این راستا، تعهد عدم ورود زیان به سرزمین یا محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا سرزمین‌های ورای صلاحیت ملی را مقرر می‌نماید. این ماده توازن و تعادلی پایدار میان حق دولت‌ها بر مبنای اصل بی‌چون‌وچرای حاکمیت بر منابع طبیعی و نیز مسئولیت آن‌ها در قبال حمایت از محیط‌زیست واقع در قلمروی صلاحیت یا کنترل آن‌ها در قبال خسارات فرامرزی برقرار می‌سازد. همچنین بنا بر اصل چهارم اعلامیه استکهلم «(بشریت) در قبال حفاظت و مدیریت معقولانه میراث حیات وحش و زیستگاه آن‌ها که در حال حاضر با مجموعه‌ای از عوامل مخرب مورد تهدید قرار می‌گیرد مسئولیت خاصی دارد. بنابراین حفاظت از طبیعت از جمله حیات وحش باید از اهمیت ویژه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی برخوردار باشد [19].»

برای تبیین بهتر چارچوب کنونی اجرای مسئولیت دولت برای جبران خسارات زیست‌محیطی بایستی به یکی از بهترین تعاریف مسئولیت بین‌المللی و جبران خسارت ناشی از آن در رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در اختلاف معروف به کارخانه کورزوف بین آلمان و لهستان اشاره نمود. دیوان در رأی صلاحیتی ۲۶ ژوئیه ۱۹۲۷ خود بیان می‌دارد که «یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل آن است که نقض یک تعهد مستلزم تکلیف جبران خسارت ناشی از آن به نحو مؤثر است.» جبران خسارت که مفهومی

پیش می‌آید که فعالیتی خطرناک همانند فعالیت‌های هسته‌ای، نفتی و یا شیمیایی یا به‌طور کلی فعالیت‌های مشروع زیان‌بار برای منافع کل جامعه و توسعه اقتصادی و اجتماعی آن ضرورت دارد و تنها متصدی نیست که از نتایج آن فعالیت سود می‌برد. بدیهی است که نظام حقوقی مسئولیت ناشی از چنین فعالیت‌هایی باید ضمن شناسایی مسئولیت اولیه برای متصدی فعالیت زیان‌بار، به نوعی میزان این مسئولیت را تقلیل داده و به سمت مسئولیت جمعی در جبران خسارات پیش رود.

بند ۳ ماده ۴ طرح تخصیص زیان کمیسیون حقوق بین‌الملل هم در این خصوص ذیل تصریح به وظیفه دولت در اتخاذ کلیه تدابیر ضروری به‌منظور اطمینان از پرداخت غرامت فوری و کافی به قربانیان خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، یکی از تدابیر مزبور را اطمینان از وجود تضمینات مالی لازم برای پرداخت غرامت می‌داند: «این تدابیر همچنین باید شامل الزام متصدی یا در صورت اقتضاء الزام سایر اشخاص یا واحدها به ایجاد و حفظ ایمنی مالی از قبیل بیمه، ضمانت‌ها یا دیگر تضمین‌های مالی برای پوشش دعاوی جبران خسارت گردد.» مسئولیت نهایی دولت مقرر فعالیت‌های خطرناک، خود حاکی از گرایش نظام مسئولیت بین‌المللی به جمعی کردن مسئولیت خسارت‌های ناشی از اعمال منع نشده است. چنین مسئولیتی در دو قالب مسئولیت تکمیلی دولت مقرر فعالیت‌های خطرناک و مسئولیت بین‌المللی دولت مذکور برای نقض تعهدات قراردادی و عرفی ناظر بر جبران فوری، مؤثر و کافی خسارات ناشی از اعمال منع نشده قابل تحلیل است. همچنین اصل ششم از اصول تخصیص زیان ناشی از آسیب‌های فرامرزی تحت عنوان جبران‌های داخلی و بین‌المللی چنین مقرر می‌دارد که «دولت‌ها باید به نهادهای قضایی و اداری داخلی خود صلاحیت لازم را اعطا نموده و اطمینان حاصل کنند که در صورت ایراد خسارت فرامرزی به‌واسطه فعالیت‌های خطرناک واقع در سرزمین آن‌ها یا به نحوی واقع در نواحی تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها، این نهادها جبران‌های فوری، کافی و مؤثر را در دسترس خواهند گذاشت.»

بدین ترتیب، با توسعه چنین نظام مسئولیت در قبال خسارات ناشی از فعالیت‌های انسانی در حقوق بین‌الملل و پذیرش نهایی آن در رویه و عملکرد دولت‌ها می‌توان در آینده امید آن داشت که خسارات زیست‌محیطی که توسط نهادهای دولتی یا خصوصی در داخل قلمروی سایر دولت‌ها یا حتی ورای مرزهای صلاحیت ملی دولت‌ها واقع می‌شود، در نهایت منجر به مسئولیت زیست‌محیطی دولت یا دولت‌های ذی‌ربط گردد. دربند بعدی موضوع قابلیت اعمال نظام مسئولیت بین‌المللی در زمینه حقوق بین‌الملل حفاظت از محیط‌زیست دریایی به‌طور دقیق‌تری مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲- قابلیت اعمال نظام مسئولیت بین‌المللی بر حقوق ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست دریایی

دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون در قضایای اندکی به مبحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض تعهدات حقوق بین‌المللی حفاظت از طبیعت پرداخته است. این دعاوی شامل تخلف ژاپن از تعهدات خود به‌موجب کنوانسیون صید نهنگ [16]، ادعای نقض کنوانسیون رامسر

در قالب کنوانسیون حقوق دریاها علاوه بر مقرراتی که در راستای حفاظت و نگهداری از محیط‌زیست دریایی مقرر شده است، دولت‌ها موظف‌اند از هرگونه اقدامی که منجر به آلودگی قلمروی حاکمیت کشور دیگر و انتشار آلودگی به سرزمین سایر دولت‌ها می‌گردد جلوگیری نمایند. در ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها آمده «دولت‌ها درازای ایفای تعهدات بین‌المللی خود برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی، بر مبنای حقوق بین‌الملل مسئولیت دارند.» این تعهدات دولت‌ها همچنین شامل پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست دریایی هنگام بهره‌برداری از منابع طبیعی موجود در منطقه می‌گردد. دولت‌ها بر اساس این ماده باید تضمین نمایند که تمامی منابع لازم در نظام‌های حقوقی آن‌ها برای جبران خسارت فوری و کافی در قبال خسارات ایجاد شده به موجب آلودگی محیط‌زیست دریایی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت آن‌ها فراهم است [23] [24]. به‌منظور تضمین جبران خسارت فوری و کافی در قبال تمام خسارات ایجاد شده، دولت‌ها باید در اجرای حقوق بین‌الملل موجود و توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل موجود در زمینه‌ی مسئولیت، فیصله اختلافات ناشی از آن‌ها و ضابطه پرداخت خسارات از جمله بیمه اجباری یا صندوق‌های جبرانی تا حد امکان با یکدیگر همکاری نمایند [25]. ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها، تمایزی میان مسئولیت بین‌المللی و مسئولیت ناشی از خسارات وارد بر مناطق دریایی داخل صلاحیت ملی و با وراى صلاحیت ملی دولت‌ها قائل نمی‌شود.

در رابطه با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌موجب معاهدات و اسناد بین‌المللی برای حفاظت از گونه‌های خاص، در نگاه نخست به نظر می‌رسد تنها دولت‌هایی که عضویت چنین سازوکارهایی را دارند در صورت نقض تعهدات خود واجد مسئولیت خواهند بود، اما با اندکی تحقیق بیشتر، می‌توان چنین برداشت نمود که جامعه‌ی بین‌المللی در کلیت آن دارای نفع حقوقی برای پیشگیری از انقراض گونه‌های خاصی است که در طبیعت و اکوسیستم‌های زیست‌محیطی یافت می‌شوند و لذا تمام دولت‌ها به‌نوعی مسئولیت حفاظت از این گونه‌ها را بر عهده دارند و در این راستا حقوق حاکمیتی آن‌ها محدود و مقید می‌گردد. چنین تعهدی نسبت به منافع بشریت در کلیت آن برای حفظ بقای گونه‌های خاص زیستی، اگرچه به‌عنوان قاعده حقوقی عرفی بین‌المللی مورد پذیرش قرار نگرفته اما به تدریج در قالب معاهدات و اسناد غیر الزام‌آوری همچون قطعنامه‌ها و اعلامیه‌ها در مرحله شناسایی بین‌المللی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در زمینه‌ی منابع ژنتیکی واقع در مناطق وراى صلاحیت ملی دولت‌ها، شناسایی گونه‌های خاص به‌عنوان منابع مشترک موجب طرح مفهوم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال کل جامعه‌ی بین‌المللی برای حفاظت از منابع خواهد بود. کنوانسیون حفاظت از منابع زنده دریایی قطب جنوب مورخ ۱۹۸۰، کنوانسیون آفریقای حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی مورخ ۱۹۶۸، کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱، کنوانسیون برن برای حفاظت از حیات وحش و زیست‌بوم‌های طبیعی ۱۹۷۹ و نهایتاً کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ مقرراتی را در زمینه‌ی مسئولیت دولت‌ها در قبال حفاظت از گونه‌های خاص مقرر نموده‌اند. در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی حفاظت از گونه‌های خاص شاهد تحول در حقوق

کلی است به مقولاتی همچون «اعاده وضعیت به حال سابق»، «پرداخت گرامت» و «جلب رضایت» نیز اعمال می‌گردد.

تعهدات و قواعد رفتاری عموماً پذیرفته شده حقوق بین‌المللی محیط‌زیست، زمینه حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع بیولوژیکی و منابع طبیعی غیرقابل تجدید را فراهم می‌سازند. به‌عنوان نمونه، دولت‌ها تعهد کلی دارند از استفاده از سرزمین خود به‌نحوی که منجر به ورود زیان و آسیب جدی به سایر دولت‌ها گردد جلوگیری نمایند و در مواقع بروز آلودگی فرامرزی موظف هستند اقدامات معقولانه‌ای برای حفاظت از دولت‌های همسایه در قبال آسیب و جبران خسارات وارده را به عمل آورند [20]. چنین تعهداتی آن‌گونه که در قضیه بارسلونا تراکشن توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردیده ممکن است از وصف «تعهدات در قبال همگان یا تعهدات عام‌الشمول» برخوردار باشند.

رویکرد اکوسیستم-محور به حفاظت از تنوع زیستی و مبنای کلی مسئولیت دولت در قبال زیان وارد به محیط‌زیست در سال ۱۹۷۲ با تصویب اعلامیه استکهلم و ماده ۲۱ آن وارد حقوق بین‌الملل عرفی گردید، اگرچه تا زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۹۳ در حقوق موضوعه از جنبه الزام‌آوری برخوردار نبوده است. در این رابطه برخی از نویسندگان حقوقی معتقدند رویکرد منطقه-محور در خصوص اقیانوس‌ها که در کنوانسیون حقوق دریاها منعکس شده و برای هر یک از مناطق دریایی خاص، طیفی از سطوح مختلف حاکمیت را ترسیم می‌کند، در خصوص منابع ژنتیکی دریایی قابل اعمال نیست [21]. به‌عبارت‌دیگر، تنوع زیستی و منابع ژنتیکی وراى حاکمیت ملی و صلاحیت دولت‌ها، در تمامی مناطق دریایی و اقیانوسی تحت حمایت حقوق حفاظت از محیط‌زیست بین‌المللی قرار می‌گیرند. در رویه قضائی بین‌المللی نیز شاهد اتخاذ این رویکرد نوین هستیم، به‌گونه‌ای که دیوان دائمی داوری در قضیه داوری دریای جنوبی چین بیان می‌دارد که «تعهد حمایت از محیط‌زیست در داخل صلاحیت ملی دولت‌ها و همچنین وراى آن اعمال می‌گردد.» دیوان همچنین بیان می‌دارد بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها که چارچوب اساسی برای حمایت از محیط‌زیست دریایی را مقرر می‌نماید تحت حاکمیت سایر قواعد قابل اعمال و مقررات عمومی حقوق بین‌الملل خواهد بود [23].

ماده ۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها در زمینه‌ی مسئولیت تضمین پایبندی و مسئولیت در قبال خسارات بیان می‌دارد که دولت‌های عضو مسئولیت دارند که تضمین نمایند فعالیت‌های منطقه، خواه توسط دولت‌های عضو، یا شرکت‌های دولتی یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که تابعیت دولت‌های عضو را دارند یا فعالیت‌هایی که تحت کنترل مؤثر دولت‌ها یا اتباع آن‌ها انجام می‌شوند، در انطباق با این بخش (از کنوانسیون) قرار می‌گیرند. چنین مسئولیتی به‌طور مشابه در خصوص فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی در منطقه نیز قابل اعمال است. بر اساس بند دوم این ماده، خسارات وارده ناشی از ناتوانی هر یک از دولت‌های عضو یا سازمان‌های بین‌المللی مربوطه برای اجرای مسئولیت‌های آن به‌موجب این بخش از کنوانسیون موجبات طرح مسئولیت را فراهم خواهد نمود و چنین مسئولیتی از ماهیت مسئولیت مشترک و درعین حال متفاوت برخوردار است [22].

شمار نمی‌رود، تصور مسئولیت ناقضان آن بر اساس حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با دشواری‌هایی همراه است. به‌علاوه اینکه تعهدات دولت‌ها در قلمروی اعمال رویکرد احتیاطی با عباراتی از قبیل «تا حد قابل‌اعمال» یا «بر اساس توانایی‌ها و امکانات دولت‌ها» ترسیم می‌شوند که از وصف الزام‌آوری برخوردار نیست. با این حال به‌عنوان رویکرد محیط‌زیست محور در مناسبات بین‌المللی جایگاه قابل‌قبولی یافته است و سیر تحولی آن نشانگر آن است که در آینده می‌تواند به‌عنوان قاعده برتر حقوق بین‌الملل عرفی - لاقال از حیث نقش قابل‌توجهی که در تئوری‌های مسئولیت بین‌المللی و مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات زیست‌محیطی ایفاء می‌کند - جایگاه فعلی خود را توسعه ببخشد. علاوه بر اینکه رویکرد احتیاطی می‌تواند در قالب مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد به اخطار و تعهد به کاهش خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناکی که منجر به ورود زیان قریب‌الوقوع به سرزمین دولت‌های دیگر یا مناطق ورای صلاحیت ملی می‌شوند مطرح می‌شود [23].

اصل اقدامات احتیاطی پس از درج آن در اعلامیه ریو در قالب مسئولیت دولت بر همکاری در مواقع اضطراری، بارها در سایر اسناد و معاهدات و اعلامیه‌های بین‌المللی در زمینه^۱ محیط‌زیست دریایی و منابع آن به‌کاررفته است [27]. چنین تعهدی به‌موجب برخی از معاهدات بین‌المللی در زمینه^۲ ضرورت اطلاع‌رسانی قبلی به سایر دولت‌ها و همکاری با یکدیگر در صورت وقوع بحران‌های هسته‌ای قابل‌مشاهده است [28]. دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای در نظریه مشورتی [31] خود در خصوص مسئولیت‌ها و تعهدات دولت‌های حامی اشخاص و نهادهای درگیر در فعالیت‌های منطقه‌ای عمیق مقرر می‌نماید که رویکرد احتیاطی در تعداد زیادی از اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته است. دیوان در آرای خود اگرچه به‌صراحت اصل یا رویکرد احتیاطی را مورد تأیید قرار نداده است، اما از گرایش و جهت‌دهی این اصل یا رویکرد به سمت وسوی حقوق عرفی یاد می‌کند [29]. دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که رویکرد احتیاط و هوشیاری، دولت‌ها را ملزم می‌سازد که برای اتخاذ اقدامات خاص با یکدیگر همکاری نمایند و دیوان نیز در موارد متعدد، ملزم به اتخاذ دستورات موقتی خواهد بود که انعکاسی از رویکرد احتیاطی هستند [29].

در رابطه با مسئولیت بین‌المللی در قبال تعهد به حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی، آزادی بی‌حد و حصر بهره‌برداری و استفاده از محیط‌زیست بدون توجه کافی به زیان‌های وارد بر آن و ناپایداری عناصر زیست‌محیطی مبنای محدودیت‌هایی به‌موجب حقوق بین‌الملل را فراهم نموده که در اسناد و رویه بین‌المللی در قالب مسئولیت ناشی از این اقدامات منعکس گردیده است. در صورت نقض تعهد اعمال رویکرد احتیاطی به‌موجب ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی مبنایی برای پیش‌بینی تعهد بین‌المللی دولت خاالی قابل‌طرح است. چنین تعهدی اگرچه تنها محدود به خسارات فرامرزی می‌گردد، صلاحیت کنوانسیون برای اعمال بر فرایندها و فعالیت‌هایی که برای حفاظت از تنوع زیستی ضروری هستند موسع بوده و قابل تسری به حیطه مسئولیت دولت‌ها فراتر از صرف سیاق فرامرزی آن نیز هست [23].

حفاظت بین‌المللی محیط‌زیست هستیم؛ شاهد مثال این ادعا در میان اسناد بین‌المللی، کنوانسیون تنوع زیستی است که دولت‌های عضو را به حفاظت از تنوع بیولوژیکی و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی به شیوه‌ای پایدار ملزم می‌دارد و از این طریق حاکمیت ملی دولت‌ها را به رعایت قیود خاصی مقید می‌سازد. کنوانسیون تنوع زیستی به همراه کنوانسیون بین‌المللی صید نهنگ سایر سازوکارهای مربوطه تعادل معقولی میان حفاظت از تنوع بیولوژیکی و بهره‌برداری از آن به شیوه‌ای پایدار مقرر می‌نمایند به‌منظور این که تدابیر مربوط به بهره‌برداری از گونه‌های وحشی و زیست‌بوم‌های طبیعی منجر به کاهش روزافزون تنوع بیولوژیکی نگردد.

پروژه تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری در حیطه حقوق بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست مشتمل بر استانداردها، قواعد غیرهنجاری و تعهدات الزام‌آوری است که بر مبنای حقوق نرم، حقوق عرفی و معاهداتی تدوین می‌شوند و در این راستا، رویکرد احتیاطی در حقوق بین‌المللی محیط‌زیست به‌منزله راه‌حلی برای مواجهه با عدم قطعیت علمی راجع به زیان و خسارت وارده از جانب فعالیت‌های توسعه انسانی است که آسیب‌های زیست‌محیطی و تعهد به پیشگیری از وقوع بحران را به‌جای تعیین خسارت وارده پس از وقوع آن و بار اثبات مسئولیت بین‌المللی مقرر می‌نماید. در مجموع آن‌گونه که یکی از محققان می‌نویسد، در جهان حاضر به‌جای مقوله مسئولیت دولت در قبال خسارات زیست‌محیطی باید از مفهوم مسئولیت در قبال حفاظت از مطلوبیت محیط‌زیست جهانی سخن به میان آورد [26].

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیازمند اعمال روش پیشگیرانه برای حمایت از اکوسیستم‌های فرامرزی و مشترکات عمومی است که بر اساس رویکرد جدید مبتنی بر ملاحظات احتیاطی و پیشگیری از وقوع خسارات زیست‌محیطی، بار اثبات بر عهده دولت یا اشخاص خصوصی است که ثابت نمایند فعالیت‌های توسعه محور آن‌ها واجد ویژگی پایداری بوده و موجب ورود خسارت و زیان به محیط‌زیست و مشترکات عمومی نمی‌گردد. بنابراین تعبیه نظام مسئولیت بین‌المللی جامع زیست‌محیطی برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی و توجه به خلأهای نظام حقوق بین‌الملل سنتی در قبال پیشگیری از آسیب‌ها و خسارات وارد به تنوع زیستی از اهمیت ویژه‌ای برای نسل‌های آینده بشریت و تضمین انصاف بین‌نسلی برخوردار است. لذا حقوق بین‌الملل و دکتترین مسئولیت بین‌المللی بایستی رویکرد احتیاطی نسبت به فعالیت‌های انسانی و قانون‌گذاری مبتنی بر آن در زمینه^۳ محیط‌زیست بین‌المللی و مشترکات عمومی را تضمین نماید. اصل احتیاطی علی‌رغم اهمیت زائدالوصف آن در حقوق محیط‌زیست و به‌ویژه حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع ژنتیکی دریایی به‌عنوان یک تعهد حقوقی بین‌المللی الزام‌آور مورد شناسایی قرار نگرفته است و از پشتیبانی عنصر معنوی برای شناسایی به‌عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل برخوردار نیست. درواقع این اصل در قالب حقوق نرم یا قوام نیافته به حیاط خود ادامه می‌دهد.

در خصوص ارتباط اصل احتیاطی با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفان بین‌المللی از آنجا که ناتوانی در اعمال رویکرد احتیاطی در حقوق بین‌الملل کنونی به‌منزله نقض تعهد الزام‌آور بین‌المللی یک دولت به

و ناتوانی در تحقق نتایج مورد توافق بر اساس تعهدات بین‌المللی قائل به تفکیک بود. غالب تعهداتی که نقض آن‌ها منجر به طرح مسئولیت بین‌المللی می‌گردد، غالباً از ویژگی مطلق و غیر مشروط برخوردار نیستند، به نحوی که مقررات معاهده‌ای مندرج در اکثریت آن‌ها علی‌رغم گستره ماهوی جامعی که دارند با توصیف «تا حد امکان و تا جایی که مناسب است» مشخص شده‌اند. دو کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون رامسر در این زمینه شاهد مثال‌های مناسبی به شمار می‌روند [33].

چنین عبارت‌پردازی‌هایی در معاهدات مربوط به حفاظت از تنوع زیستی موجب می‌شود شناسایی موارد نقض تعهدات و در نتیجه تعیین وضعیت‌های منتهی به مسئولیت جمعی از زاویه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها دشوار گردد. ^۴ از سوی دیگر، برخی از اسناد بین‌المللی دربردارنده تعهدات مطلق و غیر استثناء پذیر پذیر در زمینه ^۵ حمایت و حفاظت از اکوسیستم‌ها و تنوع بیولوژیکی واقع در مناطق دریایی هستند و در نتیجه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه قابل تحقق و محتمل تر است. کنوانسیون حمایت از محیط‌زیست دریایی آتلانتیک شمال-شرقی و کنوانسیون برن نمونه‌های قابل توجهی در این زمینه به شمار می‌روند. مبنای اساسی درج چنین تعهداتی در قالب تعهدات اولیه غالباً مبتنی بر شناسایی مفهوم میراث مشترک بشریت، ضرورت توجه به نیازهای نسل‌های آینده بشر به منابع طبیعی، ارزش ذاتی طبیعت و تنوع زیستی، فارغ از ارزش و اهمیت فزاینده آن برای بشریت استوار است [37].

سیر تحولی نظام حقوق بین‌الملل حفاظت از محیط‌زیست نشانگر آن است که اصل مسئولیت در قبال ورود خسارت زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های آسیب‌رسان واقع در قلمروی سرزمینی یا مناطق ورای صلاحیت ملی در رویه دولت‌ها و عنصر معنوی الزام‌آوری به تدریج از جایگاه یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار گردیده است. با وجود این، رویکرد مسئولیت بین‌المللی در قبال حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی و منابع ژنتیکی جنبه احتیاطی و پیشگیرانه داشته و چنانچه به صورت گسترده مورد پذیرش قرار گیرد می‌تواند جایگزین نظام مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات و زیان‌هایی که به صورت بالفعل به تنوع زیستی واقع شده‌اند گردد. به علاوه تعهد به انتقال فناوری، فراهم نمودن امکان دسترسی به منابع ژنتیکی، توزیع عادلانه نتایج حاصل از تولید محصولات ژنتیکی میان کشورها و جوامع بومی منشأ آن‌ها از جمله نتایج فهری اعمال این نظام حقوقی نوین خواهد بود. در این راستا، ارزیابی آثار زیست‌محیطی (EIA) در قالب حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی راهکار مناسبی برای اعمال اصل احتیاطی در حقوق داخلی و نیز حقوق بین‌الملل و حمایت حداکثری از میراث مشترک بشریت به شمار می‌رود.

با وجود این، از منظر حقوق بین‌الملل حفاظت از محیط‌زیست، برخی از کاستی‌ها و ابهامات حقوقی در حقوق مسئولیت بین‌المللی موجود برای تضمین اجرای تعهدات زیست‌محیطی قابل تصور است. نخست آنکه اصول جبران خسارت که در طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر شده «منجر به پیدایش طیفی گسترده از آثار حقوقی با توجه به ماهیت تعهد، ماهیت نقض و ماهیت عمومی منافع مربوطه (نقض شده) می‌گردد [30]». ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت‌ها به طور مستقیم به مسئله مسئولیت مشترک در قبال اعمال متخلفان پرداخته است به نحوی که بیان می‌دارد «هنگامی که چند دولت در قبال یک عمل متخلفان بین‌المللی مسئول قلمداد شوند، می‌توان به مسئولیت هر یک از آن دولت‌ها در رابطه با آن عمل استناد نمود [31]». این ماده در واقع احتمال وقوع عمل متخلفان بین‌المللی مستقل از یکدیگر به صورت متوازن یا متقارن را مطرح می‌نماید. به منظور بررسی آثار حقوقی ناشی از اعمال متخلفان فردی، ماهیت عمومی منافع ذی‌ربط از اهمیت زیادی برخوردار است. وقتی دولت‌ها خواه به صورت فردی یا جمعی نتوانند به تعهدات خود بر مبنای حقوق بین‌الملل جامه عمل بپوشانند، جبران خسارات اکولوژیکی و احیای مناطق طبیعی یا جمعیت‌های زیستی به جای جبران خسارات وارد به دولت‌های زیان‌دیده از اهمیت برخوردار می‌شود. در این راستا مقررات طرح مسئولیت دولت‌ها در زمینه ^۶ توقف عمل متخلفان و جبران موارد نقض تعهدات حفاظتی می‌تواند در انطباق با اهداف حقوق حفاظت از محیط‌زیست بین‌المللی تفسیر شود [32]. از سوی دیگر، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص معیار و ضابطه تخصیص مسئولیت ناشی از تعهد جبران خسارت میان دولت‌ها دارای ابهاماتی است که تا حدودی در طرح تخصیص زیان ناشی از مسئولیت در قبال اعمال زیان‌بار فرامرزی مرتفع شده است و بررسی جزئیات آن در مجال این نوشتار نمی‌گنجد.

مفهوم "مسئولیت مشترک یا مسئولیت تسهیم شده" در حقوق محیط‌زیست که با اصل همکاری بین‌المللی برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست بشر ارتباط برقرار می‌کند، بدین معناست که دولت‌ها نه تنها در قبال کلیه فعالیت‌هایی که در محدوده صلاحیتشان انجام می‌شود، بلکه در قبال مشترکات عمومی به‌ویژه محیط‌زیست، دریاهای آزاد، فضای ماورای جو و اعماق دریاهای و محدوده ورای صلاحیتشان نیز دارای مسئولیت هستند. این مسئولیت جمعی در کنوانسیون چهارچوبی ملل متحد برای تغییرات آب‌وهوایی، کنوانسیون حقوق دریاهای و کنوانسیون تنوع زیستی مورد تأکید قرار گرفته است. مسئولیت مشترک گاهی در قالب مسئولیت جمعی ^۲ و گاه مسئولیت مبتنی بر همکاری ^۳ جلوه‌گر می‌شود و به معنای تحمل بار مسئولیت نقض تعهدات در قبال کل جامعه‌ی بین‌المللی است. در راستای تمایز میان انواع فعل یا ترک فعل که موجب طرح مسئولیت مشترک و همگانی جامعه‌ی بین‌المللی در مجموع آن می‌گردد، باید میان ناتوانی در تصویب تدابیر حفاظتی مقرر در معاهدات مبتنی بر حفاظت از تنوع زیستی

حمایت از محیط زیست دریایی، همکاری فنی، نظارت و ارزیابی‌های زیست محیطی و ضابطه مند نمودن قواعد بین‌المللی مرتبط با آنها ارتباط پیدا می‌کند.

۲. cumulative responsibility

۳. cooperative responsibility

۴. arie trouwborst, op.cit.

۱. shared responsibility

این مفهوم در عین ارتباط با مفهوم مسئولیت مشترک موجود در حقوق مسئولیت بین‌المللی (با آن تفاوت‌هایی دارد. مسئولیت تسهیم شده به plurality of responsible states دولت‌ها) نوعی با ماده ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاهای مبنی بر اقدامات جمعی و همکاری میان دولت‌ها برای

۳- ضرورت تدوین نظام حقوقی خاص مسئولیت بین‌المللی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی به‌منزله میراث مشترک بشریت

در این بخش از مقاله ضرورت تدوین نظام حقوقی خاص مسئولیت بین‌المللی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی به‌منزله میراث مشترک بشریت مورد بررسی دقیق قرار خواهد گرفت.

به‌طور کلی ایجاد تعهدات الزام‌آور برای برخی از تابعان و حقوق متقابل برای برخی دیگر از تابعان از جمله آثار یک قاعده حقوقی است، به‌طوری‌که وفق نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه جبران خسارت وارده به نیروهای ملل متحد، تنها طرفی که نسبت به او تعهد بین‌المللی برعهده گرفته شده است می‌تواند در رابطه با نقض آن تعهد اقامه دعوی نماید و دولت‌ها در خصوص رعایت تعهدات بین‌المللی در یک مفهوم مطلق از حق کلی برخوردار نیستند [35]. با این حال، ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی که ضامن بقای نظم عمومی بین‌المللی هستند، در قالب تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی در کل و با عنوان «تعهدات در قبال همگان» مورد حمایت نظام حقوقی بین‌المللی قرار گرفته و در قبال تخلف و نقض قاعده از مصونیت برخوردار خواهند بود. از دیدگاه مؤسسه حقوق بین‌الملل، «تعهدات در قبال همگان، تعهداتی هستند بر اساس حقوق بین‌الملل عام که یک دولت در برابر جامعه بین‌المللی بر عهده می‌گیرد، به لحاظ ارزش‌های عمومی آن و اهمیت اجرای آن، به‌گونه‌ای که نقض آن تعهدات تمام دولت‌ها را قادر می‌سازد که دست به اقدام بزنند». این تعهدات همچنین مشتمل بر تعهدی است بر اساس یک معاهده چندجانبه که یک دولت عضو معاهده در برابر تمام دولت‌های دیگر طرف همان معاهده بر عهده می‌گیرد، به لحاظ ارزش‌های عمومی آن و اهمیت اجرای آن به‌گونه‌ای که نقض آن تمام دولت‌های عضو را قادر می‌سازد که دست به اقدام بزنند [36].

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان گردید چنین روند حمایتی از ارزش‌های برتر و تمایز میان تعهدات در قبال همگان و سایر تعهدات حقوق بین‌الملل برای نخستین بار با صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن آغاز شده است. ارزش‌های برتر جامعه بین‌المللی که در قالب حفاظت از ارزش‌های انسانی و نظم عمومی جامعه بین‌المللی در چارچوب هنجارهای بنیادین تجلی می‌یابند، موجبات توسعه و تکامل تدریجی حقوق بین‌الملل را فراهم می‌نمایند و نیز همواره جایگاه خود را در میان سایر قواعد حقوقی ارتقا می‌بخشند. طی دو دهه اخیر، دکترین و رویه قضایی محاکم بین‌المللی حول اثربخشی و تضمین اجرای تعهدات تخلف‌ناپذیر حقوق بین‌الملل تحول چشمگیری داشته و به یکی از مهم‌ترین موضوعات و چالش‌های حقوقی جهان تبدیل شده است. هنجارهای بنیادین یا تعهدات بین‌المللی تخلف‌ناپذیر در یک تعریف، مشتمل بر تعهداتی است که ضامن نظم عمومی، منافع حیاتی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بین‌المللی آرمانی است. چنین تعهداتی به جامعه بین‌المللی در کل تعلق دارند و نمی‌توان آن را به سطح روابط دوجانبه میان دولت‌ها و قراردادهای خصوصی تنزل داد. این تعهدات عام‌الشمول، ساختار عام و غیر دوجانبه دارند و نقض آن‌ها بر تمامی دولت‌ها و کل جامعه بین‌المللی تأثیرگذار است [37].

با وجود همپوشانی زیادی که میان دو مفهوم تعهدات عام‌الشمول و تعهدات مبتنی بر قواعد آمره یا بنیادین حقوق بین‌الملل وجود دارد، تفاوت‌هایی میان آن‌ها به چشم می‌خورد، در واقع «قواعد آمره معطوف به قلمرو و تقدم برخی تعهدات بنیادین هستند و تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی به منفعت حقوقی تمامی دولت‌ها در رعایت تعهدات و ذی‌نفع بودن در تقاضای مسئولیت دولت ناقض آن‌ها توجه دارند. ضمن آنکه می‌توان گفت پیامدهای این دو مفهوم در دو وادی جداگانه مطرح می‌شوند». قاعده آمره به ماهیت قاعده و خود هنجار معطوف می‌شود و تعهدات عام‌الشمول گستره اثرگذاری و دامنه شمول تعهد را مدنظر دارد. به‌کارگیری این دو مفهوم در جایگاه مشابه به بهترین نحو در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل جلوه‌گر می‌شود، جایی که دیوان رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص آثار نقض فاحش قواعد آمره را تأیید کرده، اما این نظام مسئولیت را به نقض تعهدات عام‌الشمول منتسب می‌داند [38]. تعهدات عام‌الشمول ناظر به شکل اجرا است و اطراف آن ملزم به اجرای تعهدند، برخلاف قواعد آمره که ماهیتاً مهم‌ترین ارزش‌ها و ضروریات زیست مسالمت‌آمیز بین‌المللی را در برمی‌گیرند [39].

آنچه در این میان حائز اهمیت است آن‌که سلسله‌مراتب هنجاری صرفاً در قالب معاهدات بین‌المللی پدیدار نمی‌گردد، بلکه در قالب عرف بین‌المللی نیز می‌توان از سلسله‌مراتب هنجاری سخن به میان آورد. نمونه بارز وجود سلسله‌مراتب در قالب حقوق عرفی، رأی ۱۹۷۰ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن است که میان تعهدات دولت‌ها قائل به تفکیک می‌شود؛ تعهدات نسبت به یک دولت دیگر و تعهدات نسبت به جامعه بین‌المللی در کل، یعنی تعهدات عام‌الشمول [40]. بر اساس رأی دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن، بایستی میان تعهدات یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی در کل و آن‌هایی که در زمینه حمایت دیپلماتیک در برابر دولتی دیگر ایجاد می‌شوند تمایز اساسی قائل شد. با توجه به اهمیت حقوق مضمون در تعهدات مزبور، همه دولت‌ها می‌توانند در حمایت از این تعهدات دارای نفع حقوقی باشند.

در قضیه کانال کورفو، دیوان از تعهدات مبتنی بر برخی اصول عام و کاملاً شناخته‌شده یاد می‌کند که «ملاحظات اولیه انسانی» از آن جمله است [41]. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن که متأثر از شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بر ماده ۱۹ پیش‌نویس سابق مواد درباره مسئولیت بین‌المللی دولت بوده است، میان تعهدات جامعه بین‌المللی در کل و تعهدات دولت‌ها در مقابل سایر دولت‌ها قائل به تفکیک شده و تعهدات عام‌الشمول را واجد خصیصه برتر و قابل حمایت توسط تمام دولت‌ها دانسته است. دیوان در قضیه دیوار حائل، همچنین تعهدات عام‌الشمول را تعهداتی می‌داند که حسب ماهیتشان دغدغه تمام دولت‌ها هستند و نظر به اهمیت این تعهدات، تمامی دولت‌ها می‌توانند در تصمیم به حمایت از آن‌ها ذی‌نفع باشند [42].

کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌عنوان رکن مجمع عمومی برای تدوین و توسعه تدریجی، اقدامات ارزشمندی را در راستای تسری سلسله‌مراتب هنجاری به دیگر بخش‌ها در نظم حقوقی بین‌المللی به انجام رسانیده است. کمیسیون

توسل به مسئولیت دولت ناقض تعهدات عام‌الشمول توسط دولت غیر زیان‌دیده بر اساس ماده ۴۸ در صورتی امکان‌پذیر است که به واسطه نقض تعهد در قبال گروهی از دولت‌ها از جمله دولت استناد کننده و برای حمایت از منافع جمعی آن گروه صورت گیرد و یا تعهد نقض شده در قبال جامعه‌ی بین‌المللی در کل باشد. این تفکیک به‌ویژه در ارتباط با تعهدات عام‌الشمولی که در قالب یک معاهده بین‌المللی منظور شده، بحث بسیار مهمی است، به‌طوری که نه تنها نقض منافع جامعه‌ی بین‌المللی در کل آن، بلکه نقض‌هایی با ماهیت منافع جمعی گروهی از دولت‌ها را تحت شمول مفهوم «تعهدات عام‌الشمول در قبال برخی یا تعهدات در قبال گروهی از دولت‌ها»^۲ قلمداد می‌کند [43]. بر اساس نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه استرداد یا محاکمه (بلژیک-سنگال)، هر یک از دولت‌های عضو یک کنوانسیون چندجانبه قانون ساز از نفع حقوقی برای حمایت از «تعهدات در قبال گروهی از دولت‌ها» برخوردارند و می‌توانند ادعای خاتمه نقض تعهد توسط دولت عضو دیگر را بدون اثبات نفع خاص مطرح نمایند [48]. بر اساس بند ۱ (a) ماده ۴۸، تعهدی که نقض آن مطرح شده بایستی در برابر گروهی از دولت‌ها برعهده گرفته شده باشد و نیز برای حمایت از منافع جمعی گروهی دیگر از دولت‌ها ایجاد شده باشد. بر اساس شرح مواد طرح مسئولیت دولت‌ها، بند ۱ (a) ماده ۴۸ دربردارنده سازوکارها و معاهداتی از قبیل ترتیبات منطقه‌ای امنیتی، نظام منطقه‌ای برای حمایت از حقوق بشر و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای برای حمایت از محیط‌زیست می‌گردد [50]. تعهداتی که تحت سیطره این حمایت حقوقی قرار می‌گیرند، فارغ از منافع دولت‌های عضو یک سازوکار، منافع فرا دولتی را مورد حمایت قرار می‌دهند و خارج از قلمروی رفتار متقابل قرار می‌گیرند. چنین مفهومی قاعداً با مفهوم تعهدات تام یا یکپارچه^۳ مندرج در ماده ۴۲ تفاوت دارد، چراکه مفهوم اول در ارتباط با استناد به مسئولیت توسط دولت‌های زیان‌دیده مطرح می‌شود در حالی که مفهوم تعهدات حمایت‌کننده منافع جمعی مسئله استناد به مسئولیت توسط دولت غیر زیان‌دیده را مدنظر دارد [43].

از سوی دیگر، موضوع جایگاه و سمت برای استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض تعهدات عام‌الشمول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بدین معنا که دولت غیر زیان‌دیده برای آن که بتواند حق خود برای طرح دعوا در قبال نقض تعهدات را اعمال نماید، ابتدا بایستی اثبات کند که از سمت حقوقی برخوردار است. به‌علاوه اینکه عدم قطعیت در خصوص رابطه اجرای حقوق منتج از حقوق بین‌الملل عمومی و مقررات مبتنی بر معاهده و ابهامات مربوط به مشخصه و ویژگی تعهداتی که در قبال کل جامعه‌ی بین‌المللی قابل استنادند، بر دشواری اثبات سمت حقوقی برای دولت غیر زیان‌دیده می‌افزاید [51]. به‌عبارت‌دیگر، ابهام موجود در بند ۱ ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت در شناسایی موارد استناد به‌حق طرح دعوا علیه دولت خاصی به‌ویژه در خصوص شاخصه «تعهدات دولت‌ها در قبال جامعه‌ی بین‌المللی در کل آن» موجب تقویت شائبه توجیه انگیزه‌های سیاسی

همواره تلاش می‌کند در جهت تسری سلسله‌مراتب کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹ به سایر حوزه‌های هنجاری گام بردارد، اما چنین تلاشی تاکنون با مقاومت برخی از دولت‌ها به‌ویژه طرفداران مکتب اثباتی مواجه گردیده است. نقطه عطف فعالیت کمیسیون در واقع مسئله طرح مسئولیت دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ و طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مصوب ۲۰۱۱ است. سؤال پیش روی کمیسیون این بود که آیا نظام هنجاری سلسله‌مراتب فقط حاکم بر کنوانسیون وین حقوق معاهدات است یا قابل تسری به حوزه مسئولیت بین‌المللی نیز هست؟ نویسندگان طرح مسئولیت در طرح اولیه آن مصوب سال ۱۹۹۶، اصل را بر این گذاشته بودند که مسئولیت دولت ناقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل در مقایسه با دولتی که قاعده معمولی حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، سنگین‌تر خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر، دولت خاطی نه تنها بایستی خسارت بیشتری را بپردازد بلکه مسئله مسئولیت مضاعف دولت^۱ و خسارت تنبیهی را نیز به دنبال خواهد داشت. نهایتاً در طرح سال ۲۰۰۱ این ترتیبات مربوط به خسارت تنبیهی و شدیدتر در قبال نقض قواعد آمره به توافق دولت‌ها نرسید، اما آثار متعددی بر نقض فاحش این قواعد و خدشه به نظام سلسله‌مراتب هنجاری در این سند مهم بارشده است. تعهداتی که نقض آن‌ها، جرائم فاحش و جدی بین‌المللی را محقق می‌کند، عموماً مشتمل بر تعهداتی است که از قواعد آمره و بنیادین حقوق بین‌الملل نشأت می‌گیرد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۵۳، دولت‌ها را مکلف به عدم شناسایی وضعیت ناشی از آن جرم به‌عنوان وضعیتی قانونی، و عدم کمک یا مساعدت به کشور مرتکب جرم در حفظ آن موقعیت کرده و از دولت‌ها می‌خواهد با یکدیگر در اجرای اقدامات مطروحه برای رفع آثار آن جرم همکاری نمایند [43].

در خصوص تعهدات در قبال همگان، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا برای نخستین بار به تعهد دولت‌ها در واکنش به نقض تعهدات عام‌الشمول اشاره و در قضیه بارسلونا تراکشن آن مفهوم را توصیف می‌کند [44]. در معنای به‌کاررفته در رأی بارسلونا تراکشن، تمام دولت‌ها از نفع حقوقی در قبال تعهدات ذی‌ربط برخوردارند. ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفان بین‌المللی در این راستا بیان می‌دارد که در صورت نقض یک تعهد عام‌الشمول، همه دولت‌ها اعم از دولت‌های غیر زیان‌دیده می‌توانند به مسئولیت دولت خاطی استناد کنند [45]. در معنای ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، دولت ثالث نه در ظرفیت شخصی خود به‌عنوان دولت زیان‌دیده از نقض قاعده بلکه در ظرفیت خود به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه‌ی بین‌المللی در کلیت آن عمل می‌نماید. در حقیقت، قصد اصلی تدوین‌کنندگان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از درج ماده ۴۸ در طرح مسئولیت دولت‌ها، تقویت مفهوم مندرج در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن بود که نفع حقوقی تمام دولت‌ها [49] در حمایت از تعهدات جامعه‌ی بین‌المللی در کل را مقرر می‌داشت [46].

۳. integral or interdependent

۱. aggravated responsibility

۲. obligations erga omnes partes

۱۹۶۸ از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و تخطی دولت‌های صاحب سلاح هسته‌ای از انجام تعهدات قانونی‌شان با حسن نیت را اعلام نماید. به‌عبارتی‌دیگر، جزایر مارشال معتقد است که ماده ۶ کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تعهدی عام‌الشمول است که مبنای آن در واقع از عرف بین‌المللی نشأت می‌گیرد و نقض آن می‌تواند هر یک از دولت‌های عضو جامعه‌ی بین‌المللی را متأثر سازد. درنهایت در هر سه پرونده‌ای که دولت جزایر مارشال علیه دولت‌های هند، پاکستان، و بریتانیا مطرح کرده بود، دیوان به این نتیجه رسید که هیچ اختلاف حقوقی میان طرفین وجود ندارد تا دیوان بتواند به آن رسیدگی نماید. دیوان اعلام می‌دارد که برای رسیدگی به یک پرونده می‌بایست اختلافی حقوقی آن‌هم در زمان ثبت دعوا وجود داشته باشد، اما در مورد این کشورها نه در دادخواست آن‌ها و نه از رفتار آن‌ها پس از ثبت دعوا این‌گونه استنباط نمی‌شود که میان آن‌ها اختلاف‌نظری در خصوص یک موضوع حقوقی وجود دارد، لذا دیوان طبق بند دوم ماده ۳۶ اساسنامه صلاحیت ندارد و از همین رو از ورود به رسیدگی به اعتراضات مطروحه دیگر نظیر اثبات قاعده حقوق بین‌الملل عرفی امتناع می‌نماید. به اعتقاد دیوان، ماده ۴۸ بند ۳ طرح مسئولیت به مقرر حقوقی «اعمال تغییرات لازم»^۱ نسبت به دولتی غیر از دولت زیان‌دیده که می‌خواهد به مسئولیت دولت خاطی استناد نماید مربوط است. باوجوداین، دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌دارد که طبق تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از مواد مذکور، این مواد «به مسئله صلاحیت دادگاه‌ها یا دیوان‌های بین‌المللی یا قابلیت پذیرش دعوا در چنین محاکمی ارتباطی ندارد».^۲ بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه خود به‌وضوح در قبال اصول پذیرفته‌شده رویکردی محافظه‌کارانه داشته و تا حد امکان بر اصالت اصول پذیرفته‌شده و تأسیسات برآمده از عرف بین‌المللی تأکید می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، ملاحظات گسترده سیاسی دیوان تاکنون مانع مهمی بر سر راه پذیرش نفع حقوقی دولت‌های غیر زیان‌دیده و استناد آن‌ها به مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی بوده است.

نکته حائز اهمیت عبارت از آن است که تمامی متغیرهای پیش‌گفته در خصوص ویژگی‌های تعهدات عام‌الشمول یا تعهدات در قبال همگان می‌تواند درزمینهٔ حقوق بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی اعمال گردد، با این توصیف که غالب تعهدات موجود در حقوق حفاظت بین‌المللی تنوع زیستی در زمره تعهدات عام‌الشمول برای حفاظت از منافع جمعی به شمار می‌روند و بنا بر آنچه از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مسائل مربوط به تعهد به محاکمه یا استرداد (بلژیک علیه سنگال) برمی‌آید در قبال جامعه‌ی بین‌المللی دولت‌ها در کلیت آن تفسیر می‌شوند [62]. ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌کند که تمام طرف‌ها دارای منافع جمعی و شخصی در اجرای این معاهدات هستند و در نتیجه هر یک از طرف‌های عضو از حق اقدام و طرح دعوا^۳ برای پیگیری موارد عدم پایبندی به آن برخوردارند.^۴ به تعبیر دیوان بین‌المللی دادگستری، هر یک از

دولت‌ها یا مداخلات یک‌جانبه آن‌ها در امور داخلی دولت دیگر باهدف تضمین اجرای حقوق بین‌الملل می‌گردد [52].

ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها در واقع بر این ایده بناشده است که در رابطه با نقض تعهدات خاصی که از منافع جمعی گروهی از دولت‌ها یا منافع جامعه‌ی بین‌المللی در کل حمایت می‌کنند، استناد به مسئولیت می‌تواند توسط دولت‌هایی که خود در مفهوم ماده ۴۲ زیان ندیده‌اند صورت گیرد. بر مبنای تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از مواد طرح مسئولیت دولت‌ها، دولت‌هایی که بر اساس ماده ۴۸ حق دارند به مسئولیت دولت‌های خاطی استناد نمایند، در اهلیت فردی خود به‌واسطه اینکه متحمل زیان شده‌اند اقدام نمی‌کنند، بلکه در اهلیت خود به‌عنوان عضوی از جامعه‌ی بین‌المللی یا گروهی از دولت‌ها که در برابر آن تعهدی برعهده‌گرفته شده عمل می‌نمایند [53]. به‌موجب بند ۲ ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هر دولتی که به‌موجب بند ۱ ماده ۱ ذی‌ربط حق استناد به مسئولیت دولت خاطی را پیدا می‌کند محق خواهد بود در صورتی که اوضاع‌واحوال اجازه دهد به خاتمه عمل متخلفان و تضمین و ضمانت عدم تکرار آن با رعایت مفاد ماده ۳۰ طرح مسئولیت دولت‌ها استناد نماید [58]. حق ادعای خاتمه نقض و درخواست اجرای تعهدات از جانب دولتی غیر از دولت زیان‌دیده، مکانیسم مهمی برای اجرای تعهدات بنیادین در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. در بند ۲ ماده ۴۸ همچنین مقرر شده که دولت ثالث می‌تواند از دولت مرتکب عمل متخلفان، جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات در قبال تمام ذی‌نفعان آن را درخواست نماید. چنین تعهدی به خاتمه نقض و عدم تکرار آن و جبران خسارت وارده ممکن است در قبال دولت دیگر، دولت‌های دیگر یا در قبال جامعه‌ی بین‌المللی در کل، بسته به ویژگی و محتوای تعهد بین‌المللی نقض شده و اوضاع‌واحوالی که نقض در آن صورت گرفته معنا شود [59]. این وجه از ماده ۴۸ طرح مسئولیت، به‌ویژه تعهد به جبران خسارت در قبال ذی‌نفعان نقض تعهد عام‌الشمول اگرچه از حمایت اندکی در رویه دولت‌ها و حقوق عرفی برخوردار بوده است، روند توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل را منعکس می‌نماید [43] [54].

درزمینهٔ منبع تعهدات حقوقی، موضوعی که بیش از همه اختلافی به نظر می‌رسد، آنکه آیا دیوان بین‌المللی دادگستری در عمل، استناد دولت غیر زیان‌دیده به نقض تعهد عرفی عام‌الشمول را همچون تعهدات قراردادی از این سنخ موردپذیرش قرار می‌دهد؟ یکی از جدیدترین دعاوی که نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده و مثال بارز طرح دعوی دولت غیر زیان‌دیده به استناد ماده ۴۸ طرح مسئولیت و بر مبنای مفهوم «تعهدات در قبال همگان» است، ناظر بر طرح دعوی دولت جزایر مارشال علیه دولت‌های هسته‌ای با عنوان قضیه تعهد به مذاکره برای توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای و مذاکره خلع سلاح هسته‌ای است [59]. دولت جزایر مارشال در دادخواست‌هایی جداگانه علیه کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای از دیوان می‌خواهد نقض ماده ششم معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مصوب

<https://www.icj-cij.org/files/case-related/84/084-19950630-jud-01-00-en.pdf>

۳. locus standi

۴. birnie et al, op.cit, p. 234.

۱. mutatis mutandis

۲. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تیمور شرقی ۱۹۹۵ اختلاف پرتغال علیه استرالیا به صراحت بیان می‌کند که داشتن حق اقامه دعوی بر مبنای نفع حقوقی ناشی از تعهدات در قبال همگان از مسئله صلاحیت دیوان بایستی متمایز گردد. رک به رأی دیوان به آدرس ذیل:

دولت‌های عضو معاهده می‌توانند مسئولیت دولت عضو دیگر را از طریق اثبات ناتوانی ادعایی در اجرای تعهدات عام‌الشمول آن دولت مورد استناد قرار دهد و به آن ناتوانی در ایفای تعهدات خاتمه بخشد.^۱ همچنین بر مبنای مقررات طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، چنین دولتی می‌تواند خاتمه نقض تعهد و تضمین عدم تکرار طرف ناقض را درخواست نماید. با وجود این، در خصوص امکان و میزان ادعای جبران خسارت توسط دولت غیر زیان‌دیده تا حدود زیادی ابهاماتی وجود دارد. مضافاً اینکه پاسخ چنین دولتی به ارتکاب عمل متخلفان توسط دولت ناقض تعهد معاهداتی عام‌الشمول باید در قالب اقدامات مشروع و قانونی باشد و لذا بر اساس طرح مسئولیت دولت‌ها، توسل به اقدام متقابل تنها به دولت زیان‌دیده محدود گردیده است. نکته حائز توجه آنکه کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ توجه خود را تنها معطوف به امکان استناد دولت‌های زیان‌دیده و غیر زیان‌دیده به مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی نموده و از نقش حائز اهمیت نهادهای غیردولتی و اشخاص در استناد به مسئولیت دولت‌ها غافل مانده است. از سوی دیگر، در عبارت پردازی به‌کاررفته در ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، از عبارت «جامعه‌ی بین‌المللی در کل» استفاده شده و بر اساس شرح مواد طرح مسئولیت دولت‌ها، کمیسیون حقوق بین‌الملل عمده‌اً از به‌کارگیری عبارت «جامعه‌ی بین‌المللی دولت‌ها در کل» که در ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات وین به‌کاررفته اجتناب نموده است. خود این موضوع نشانگر آن است که نقش بازیگران غیردولتی که جزئی از جامعه‌ی بین‌المللی به شمار می‌روند در استناد به مسئولیت دولت خاطی مغفول مانده است. این رویکرد کمیسیون به‌صورت عمدی صورت گرفته و مورد انتقاد برخی از حقوق‌دانان [55] واقع شده است. آن‌ها علاوه بر استدلال‌ات فوق چنین استدلال می‌کنند که با توجه به اینکه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در زمره حقوق خاص^۲ قابل ارزیابی است، می‌توان با استناد به نوع قواعد اولیه مربوطه در هر مورد، حق توسل به مراجع قضائی را به اشخاص و نهادهای غیردولتی اعطا نمود.^۳ به‌زعم آن‌ها، در رویه داخلی محاکم برخی از کشورها از جمله ایالات متحده، نیوزیلند و استرالیا نیز حق اقدام و طرح دعوا برای هر شخص، یا گروهی از اشخاص (شامل بازیگران غیردولتی) در قبال خسارات وارد بر محیط‌زیست و ارزیابی‌های آثار زیستی در محاکم داخلی محفوظ است، فارغ از اینکه حق خاصی از آن‌ها در این پروسه مورد خدشه قرار گرفته یا نگرفته باشد [56]. همچنین در برخی از سازوکارهای بین‌المللی محیط‌زیستی از جمله موافقت‌نامه آمریکای شمالی برای همکاری‌های زیست‌محیطی [57] به سازمان‌های غیردولتی و اشخاص حق استناد به ناتوانی هر یک از دولت‌های عضو در اجرای تعهدات زیست‌محیطی یا تخلف از حقوق منابع طبیعی را اعطا کرده است. مضافاً اینکه اشخاص یا نهادهای غیردولتی امروزه می‌توانند

موضوعات مربوط به نقض حقوق منابع طبیعی یا حقوق محیط‌زیست را به دیوان دائمی داوری^۴ ارجاع دهند.^۵ بدین ترتیب، با توجه به چارچوب قواعد اولیه حقوق بین‌الملل در زمینه^۶ مقررات حقوق بشری، حقوق بشردوستانه و حقوق محیط‌زیست در موارد بسیاری، به‌ویژه در جریان تحولات قرن اخیر، شاهد هستیم که دولت‌ها در قبال سایر دولت‌ها یا جامعه‌ی بین‌المللی در کل به اعطای حقوق به افراد متعهد شده‌اند. در رویه محاکم بین‌المللی نیز شاهد این سیر تحولی در شناسایی حق برای افراد هستیم. در این راستا، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه صلاحیت دادگاه‌های دانزیگ [58]، وجود و شناسایی حق فرد بر مبنای حقوق بین‌الملل را مورد تأیید قرارداد، ولو آنکه چنین حقی نتواند توسط فرد در سطح بین‌المللی اعمال و اجرا گردد. در قضیه لاگران، دیوان بین‌المللی دادگستری چنین نتیجه می‌گیرد که ماده ۳۶ کنوانسیون وین در زمینه^۷ روابط کنسولی حقوق مربوطه به فرد اعطا می‌شود و بر اساس ماده ۱ پروتکل اختیاری می‌تواند نزد دیوان از سوی دولت متبوع فرد بازداشت‌شده مورد استناد قرار گیرد [59]. دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین در نظریه مشورتی مربوط به درخواست تجدیدنظر از رأی شماره ۱۵۸ دادگاه اداری سازمان ملل متحد، در حمایت از این اصل که جبران خسارت باید تا حد امکان همه نتایج غیرقانونی را از میان بردارد و وضعیتی را پدید آورد که اگر آن عمل متخلفانه‌ای انجام نمی‌شد، به‌احتمال قوی وجود می‌داشت، به رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کارخانه کورزوف استناد می‌کند. آن‌گونه که پروفیسور شلتون اعتقاد دارد، در این نظر مشورتی اصل اساسی جبران خسارت در خصوص زیان وارد به افراد نیز قابل اعمال است [43].

تعهد دولت مسئول به جبران خسارت در برابر فرد و در نتیجه شناسایی حق ثانویه جبران کامل خسارت از جمله غرامات مالی برای افراد، خود نشانگر ایجاد رویه جدیدی در زمینه^۸ شناسایی حق اقدام اشخاص و نهادهای غیردولتی و استناد آن‌ها نزد محاکم داخلی و بین‌المللی به نقض تعهدات دولت‌ها در قبال جامعه‌ی بین‌المللی است و می‌تواند توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل را شهادت دهد. در این زمینه رویه و عملکرد دولت‌ها اگرچه بر پذیرش حق عام جبران خسارت برای فرد و تعهد به جبران خسارات و زیان‌های وارد بر فرد صحنه می‌گذارند، اما نسبت به پذیرش حق دادخواهی فرد نزد مراجع بین‌المللی تا حدود زیادی اکره می‌ورزند.^۹

۴- بررسی اجمالی نقش ائتلاف پیمان دریاهای آزاد (HSA) در حمایت و حفاظت از دریاهای آزاد

پیمان دریاهای آزاد^{۱۰} با بیش از ۴۰ عضو غیردولتی و اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت از زمان تأسیس آن در سال ۲۰۱۱، در راستای حفاظت

۶. برای مطالعه بیشتر در زمینه رویه محاکم بین‌المللی در شناسایی حقوق فرد در حقوق بین‌الملل، رک به: مهدی حدادی، تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت، حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۵۹-۳۸۳.

۷. the high seas alliance (hsa)

۱. *belgium v. Senegal*, n. 74, para. 69.

۲. *lex specialis*

۳. *ibid*, p. 816.

۴. permanent court of arbitration (pca)

۵. در این زمینه قواعد اختیاری دیوان دائمی داوری در خصوص داوری اختلافات مربوط به منابع طبیعی یا محیط زیست در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۱ بر اساس قواعد داوری آنسیترال تصویب شده است.

بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN)، در مورد ایجاد یک معاهده جدید برای ارائه اقدامات حفاظتی اضافی و بهبود استفاده پایدار از منابع دریایی HSA خطر نشان کرد که دریاهای آزاد و بستر دریا ۴۵ درصد از سطح سیاره را تشکیل می‌دهند و آن را به یک منبع ارزشمند تبدیل می‌کنند. با این حال، این منبع ارزشمند و تمام حیات‌وحش موجود در آن در حال حاضر در معرض تهدید شدید از دست دادن زیستگاه، تغییرات آب‌وهوا، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، آلودگی و بهره‌برداری بیش‌ازحد در شیلات تجاری قرار دارند.

به منظور پرداختن به اهمیت اثرات زیست‌محیطی زمانی که تنوع زیستی دریایی به عنوان ماده خام برای تولید صنعتی استفاده می‌شود، از تجزیه و تحلیل اسناد حقوقی بین‌المللی ایجاد شده برای مدیریت پایدار منابع بیولوژیکی، تصور شد. بنابراین، این نظم حقوقی از اسناد هنجاری مختلفی تشکیل شده است، به ویژه کنوانسیون حقوق دریاهای، که در راستای کنوانسیون تنوع زیستی، مقررات اساسی برای حفاظت از محیط‌زیست اقیانوس‌ها ارائه می‌دهد.

بنابراین مطالعه سیستماتیک این نظم حقوقی بین‌المللی زیست‌محیطی به منظور نشان دادن نیاز به توسعه مستمر مکانیسم‌های اثربخشی در خصوص اقدامات انجام شده و اتخاذ تدابیر جدید که بیشتر با مسائل زیست‌محیطی مبتنی بر ماهیگیری غیرقانونی^۲ و بی‌رویه^۳ سازگار است، انجام شد. از ذخایر بسیار مهاجر، صید بی‌رویه در مناطق تحت صلاحیت ملی^۴، ماهیگیری در دریاهای آزاد و^۵ "اکتشاف کنترل نشده میراث ژنتیکی دریایی"^۵.

این معاهده بدنه جدیدی را برای مدیریت حفاظت از حیات اقیانوس‌ها و ایجاد مناطق حفاظت شده دریایی در دریاهای آزاد ایجاد می‌کند. و کلارک گفت که این امر برای دستیابی به تعهد اخیر کنفرانس تنوع زیستی سازمان ملل برای حفاظت از ۳۰ درصد از آب‌های سیاره و همچنین زمین آن برای حفظ حیاتی است [60].

جسیکا بتل، کارشناس اداره اقیانوس‌ها در صندوق جهانی طبیعت می‌گوید: «این بدان معناست که همه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده برای دریاهای آزاد باید مورد بررسی قرار گیرند، اگرچه همه آن‌ها از طریق ارزیابی کامل انجام نخواهند شد [60].»

بسیاری از گونه‌های دریایی - از جمله دلفین‌ها، نهنگ‌ها، لاک‌پشت‌های دریایی و بسیاری از ماهی‌ها - مهاجرت‌های طولانی سالانه انجام می‌دهند و از مرزهای ملی و دریاهای آزاد عبور می‌کنند. تلاش‌ها برای حفاظت از آن‌ها - و جوامع انسانی که به ماهیگیری یا گردشگری مرتبط با حیات دریایی متکی هستند - قبلاً توسط مجموعه‌ای از قوانین گیج‌کننده و مبهم با مشکل مواجه شده بود [60]. «این معاهده به پیوند معاهدات منطقه‌ای مختلف کمک می‌کند تا بتوان به تهدیدات و نگرانی‌ها در دامنه گونه‌ها رسیدگی کرد.»

از حدود ۵۰ درصد کره زمین که دریاهای آزاد هستند، فعالیت می‌کند. دریاهای آزاد به عنوان منطقه‌ای از اقیانوس جهانی که فراتر از صلاحیت ملی است، برخی از مهم‌ترین، کمترین حفاظت شده و در معرض تهدیدی‌ترین اکوسیستم‌های جهان را از نظر بیولوژیکی در برمی‌گیرد. اعضای اتحادیه دریاهای آزاد برای الهام بخشیدن، اطلاع‌رسانی و مشارکت مردم، تصمیم‌گیرندگان و کارشناسان برای حمایت و تقویت حاکمیت و حفاظت از دریاهای آزاد، و همچنین همکاری در جهت ایجاد مناطق حفاظت شده دریاهای آزاد، با یکدیگر همکاری می‌کنند. اولویت فعلی اتحادیه دریاهای آزاد اطمینان از این است که کنفرانس بین‌دولتی که از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ در سازمان ملل برای توسعه یک معاهده قانونی الزام‌آور جدید تحت کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای برگزار می‌شود، منجر به حمایت قوی از تنوع زیستی دریایی در مناطق فراتر از صلاحیت ملی شود. از این رو تنوع زیستی دریایی در مناطق فراتر از صلاحیت ملی در دو سال آینده زمانی بسیار حساس است زیرا کشورهایی از سراسر جهان در مورد محتوای معاهده مذاکره می‌کنند [68].

در حال حاضر، هیچ مکانیسم قانونی الزام‌آور برای ایجاد مناطق حفاظت شده دریایی در خارج از دریاهای سرزمینی کشورها، یا برای انجام ارزیابی اثرات زیست‌محیطی وجود ندارد. با این حال تأثیرات فزاینده ناشی از صید بی‌رویه، تغییرات آب‌وهوا^۱، استخراج معادن در اعماق دریا و کشتیرانی همچنان بر تنوع زیستی در دریاهای آزاد تأثیر منفی می‌گذارد. اتحاد دریاهای آزاد مشارکتی از سازمان‌ها و گروه‌هایی است که هدفشان ایجاد صدای مشترک قوی و حوزه‌ای برای حفاظت از دریاهای آزاد است. این اتحاد در حال حاضر از بیش از ۴۰ سازمان غیردولتی به اضافه اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) تشکیل شده است.

هدف این ائتلاف تسهیل همکاری بین‌المللی برای ایجاد مناطق حفاظت شده دریاهای آزاد و تقویت حکمرانی دریاهای آزاد است. اعضای اتحادیه دریاهای به منظور ارتقای شفافیت و تشویق گفتمان عمومی آگاهانه مرتبط با مأموریت و اهداف اتحاد، به اشتراک‌گذاری و دسترسی به اطلاعات را تسهیل می‌کنند. اعضای اتحادیه دریاهای آزاد متعهد می‌شوند که برای دستیابی به این اهداف با یکدیگر همکاری کنند، یا به عنوان اعضای یک تلاش مشترک از طریق اتحاد، یا به عنوان سازمان‌های فردی تحت حمایت یا وابسته به اتحاد.

مروری بر توافق تاریخی ۲۰۲۳ نمایندگان سازمان ملل و نهادهای غیردولتی در مورد حفاظت از تنوع زیستی دریایی در آب‌های بین‌المللی به مدت چهار روز در هفته اول ماه آوریل سال ۲۰۲۳، سازمان ملل جلساتی را برای مذاکره درباره امکان یک معاهده بین‌المللی جدید برای حفاظت از تنوع زیستی دریایی برگزار کرد. گروه کاری سازمان ملل متحد، اتحادیه دریاهای آزاد (HSA)، با مشارکت ۲۷ سازمان غیردولتی، به علاوه اتحادیه

۴. overfishing in areas of national jurisdiction

۵. uncontrolled prospecting of marine genetic heritage.

۱. climate change

۲. illegal fishing

۳. unregulated fishing

درج میراث مشترک بشریت به‌عنوان یکی از عناصر اساسی سند حقوقی الزام‌آور بود. با توجه به ماهیت خاص منابع ژنتیکی دریایی و ضرورت حفاظت و بهره‌برداری از آن‌ها به شیوه‌ای منصفانه و در راستای منافع درون نسلی و میان نسلی، بایستی تأکید لازم بر رژیم تسهیم منافع و ارزیابی‌های زیست‌محیطی به‌عنوان اصول عرفی بین‌المللی در سند مذکور صورت پذیرد. با توجه به اینکه مقررات حقوقی موجود برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی واقع در مناطق ورای صلاحیت ملی در قبل از ۴ مارس ۲۰۲۳ از کفایت لازم برخوردار نبوده است، تدوین کنوانسیون حقوقی الزام‌آور به‌منظور نظام‌مند نمودن بهره‌برداری از منابع بیولوژیکی دریایی و تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی تحول بزرگی در حقوق بین‌الملل دریاها به شمار می‌آید که منتفع اصلی آن جامعه بشری حاضر و نسل‌های آینده است.

بدین ترتیب از آنجاکه ماهیت خاص منابع ژنتیکی دریایی ایجاب می‌کند، مدیریت نظام‌مند و اصولی آن توسط جامعه بین‌المللی از اهمیت زائد‌الوصفی برخوردار است. در این زمینه پیشنهاد می‌شود مکانیسم‌هایی جامع و فراگیر شامل نظارت، ارزیابی، مدیریت جهانی، مقام بین‌المللی میراث برای حفاظت از تنوع زیستی و منابع ژنتیکی دریایی، صندوق کمک به توسعه فناوری کشورهای کمتر بهره‌مند و درحال توسعه و نظام جبران خسارات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های آسیب‌رسان به منابع مشمول میراث مشترک بشریت تعبیه شود تا بتواند به نحو مطلوبی تضمین‌کننده کارایی نظام حقوقی ناظر بر تنوع زیستی، توسعه پایدار و حقوق نسل‌های آینده بشری باشد. در قالب چنین سازوکاری، توجه به نظام تسهیم منافع و تسهیم مسئولیت‌ها به‌طور هم‌زمان، تعبیه سازوکار کمیته نظارت بر ایفای تعهدات مندرج در کنوانسیون و سند حقوقی الزام‌آور آتی و ارزیابی آثار زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های انسانی برای تخمین میزان خسارات وارده به نحو جامعی ضرورت دارد.

بایستی به این نکته اساسی توجه لازم مبذول گردد که مفهوم میراث مشترک بشریت و مفاهیم توسعه پایدار و حقوق نسل‌های آینده موجود در آن، بنیان تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها در حوزه زیست‌محیطی را نظم و نسج داده و منجر به توسعه و تحول مفهومی آن می‌گردد. در این زمینه ضرورت دارد توسعه مکانیسم‌های حقوقی شامل رژیم خاص مسئولیت بین‌المللی ناظر بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در قالب سازوکار نظارت و ارزیابی حاکم بر تنوع زیستی و منابع ژنتیکی دریایی و نظام جبران خسارات زیست‌محیطی وارد بر تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی که مشتمل بر پاره‌ای از مهم‌ترین میراث مشترک بشریت جهانی است در پیش‌گرفته شود.

در زمینه حقوق مسئولیت بین‌المللی، فارغ از مفهوم مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض تعهدات عرفی یا قراردادی ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی، با مفهوم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمالی که در حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند، مواجهیم. نظام حقوقی ناظر بر مسئولیت برای اعمال منع نشده که کماکان نظامی غیر عرفی و درحال توسعه به شمار می‌رود، در حیطه حقوق بین‌المللی محیط‌زیست در قالب سه حوزه

گلدیس‌مارتینز دی لموس، مدیر اجرایی انجمن غیرانتفاعی برای دفاع از محیط‌زیست آمریکا جنوبی، در مورد مصوبه ۲۰۲۳ نمایندگان سازمان ملل و نهادهای غیردولتی در موردحفاظت از تنوع زیستی دریایی در آب‌های بین‌المللی عنوان نموده است که این حفاظت به تنوع زیستی و اقتصاد ساحلی کمک می‌کند. [60] ایشان تصریح می‌نمایند که «دولت‌ها گام مهمی برداشته‌اند که حفاظت قانونی دوسوم اقیانوس و به همراه آن تنوع زیستی دریایی و معیشت جوامع ساحلی را تقویت می‌کند. اکنون سؤال این است که این معاهده بلندپروازانه تا چه اندازه به‌خوبی اجرا خواهد شد. دریاها از آزاد به دلیل ماهیگیری تجاری و استخراج معادن و همچنین آلودگی ناشی از مواد شیمیایی و پلاستیکی مدت طولانی است که مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. مالین پینسکی، زیست‌شناس دانشگاه راتگرز، درباره مصوبه عنوان نموده است که: توافق جدید در موردحفاظت از تنوع زیستی دریایی در آب‌های بین‌المللی و مصوبه ۲۰۲۳ عنوان نموده است " این مصوبه اعتراف به این است که اقیانوس‌ها و دریاها یک منبع بی‌حدوحصر نیست، و همکاری جهانی برای استفاده پایدار آن‌ها امری ضروری است [60] ". در آخر آنچه می‌توان گفت این است که معاهده جدید برای محافظت از نیمی از سیاره زمین کار بسیار بزرگ و تاریخ‌سازی بوده است، اما هنوز تصویب رسمی توسط کشورها جهت اجرای آن لازم و ضروری است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از آن است که موضوع‌های موردبحث و رویکردهای موجود در رابطه اصل میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل به تدریج از یک قاعده غیر الزام‌آور به یک قاعده حقوقی لازم‌الاجرا تبدیل شده است به طوری که در برای اولین بار، در ۴ مارس ۲۰۲۳ اعضای سازمان ملل متحد در مورد یک معاهده یکپارچه برای حفاظت از تنوع زیستی در دریاها آزاد - تقریباً نیمی از سطح سیاره - با پایان دادن به مذاکرات دوهفته‌ای در نیویورک موافقت کرده‌اند.

چارچوب به‌روز شده برای حفاظت از حیات دریایی در مناطق خارج از مرزهای ملی، معروف به دریاها آزاد، بیش از ۲۰ سال موردبحث قرار گرفته بود، اما تلاش‌های قبلی برای دستیابی به توافق بارها متوقف شده بود. پیمان توافق یکپارچه اواخر روز شنبه ۴ مارس ۲۰۲۳ حاصل گردید. هرچند برقراری رژیم حقوقی میراث مشترک بشریت با این مصوبه مهم و حیاتی می‌تواند تا حدود زیادی عملاً نیازها و اهداف جامعه بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه را برآورده سازد و در برقراری نظام نوین اقتصادی بین‌المللی و کاهش فقر و بی‌عدالتی مؤثر باشد.

در حقیقت، هدف اصلی میراث مشترک بشریت در کنوانسیون حقوق دریاها عبارت از این بود که منطقه اعماق خارج از محدوده تحت حاکمیت دولت‌ها اعلام شود و نظام مبتنی بر انصاف درون نسلی و میان نسلی در رابطه با مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری از منطقه و منابع آن اعمال گردد. با ارائه قیاس منطقی میان منابع معدنی و منابع جاندار طبیعی که جزئی از تنوع زیستی دریایی را تشکیل می‌دهند، می‌توان قائل به ضرورت توسل به راهکار

- Law Commission on the Work of its Forty-second Session, U.N. GAOR, 42nd Sess., No. 10, UN. Doc. A/42/10 (1990).," available at: https://legal.un.org/ilc/guide/9_6.shtml, 1990.
- [5]. P. C. Szasz, *Measuring Liability for Damage Due to Radioactivity*, in Daniel B. Magraw (ed.), *International Law and Pollution*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, pp 175-95, 1991.; Pennsylvania : Pennsylvania Press, 1991 .
- [6]. UNTS, "Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy, July 29, 1960, 956 UNTS. 251 (1974)," UN available at:<https://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%201519/volume-1519-I-13706-English.pdf>, 1988.
- [7]. *Corfu Channel (UK v. Albania), Merits, I.C.J. Reports 1949, p. 29.*
- [8]. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Op.cit, p. 242, para. 29.*
- [9]. *Case concerning pulp mills on the river Uruguay (Argentina v. Uruguay), Op.cit, para. 101..*
- [10]. Abdulahi, Mohsen, "approaches of the international responsibility system in compensating damages caused by acts not prohibited in international law," *Journal of Legal Research*, no. Number 147, p. 232. Volume 14 .
- [11]. T. I. o. I. L. S. o. S. 4. S. 1. *Responsibility and Liability under International Law for Environmental Damage .*
- [12]. Nagoya supplementary protocol to the Cartagena Protocol on Biosafety, October 2010 . .
- [13]. *Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity, Nairobi 2000., [Online .]*
- [14]. Abdulahi, Mohsen, *The legal system governing recombinant genetic products: the necessity of approving the National Biosafety Law, Iranian Yearbook of International Law and Comparative Law, 3rd year, 2016 ..*
- [15]. *Supplementary Protocol on [Liability and Redress For] Damage Resulting from Transboundary Movements of Living Modified Organisms to the Cartagena Protocol on Biosafety, Report of the Group of the Friends of the Co-Chairs on liability and redress in the co .*

پیشگیری، خصوصی‌سازی مسئولیت و جمعی‌سازی مسئولیت جلوه‌گر می‌شود. در این راستا، تصویب دو طرح «پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی» مصوب سال ۲۰۰۱ و اصول «تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک» مصوب سال ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل فارغ از تمام ابهاماتی که در آن به چشم می‌خورد، به روند تحولی و توسعه حقوق مسئولیت بین‌المللی در زمینه تعهدات زیست‌محیطی و حفاظت از تنوع زیستی و منابع بیولوژیکی در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها کمک شایان توجهی نموده است. در مجموع روند حقوق مسئولیت بین‌المللی ناظر بر نقض مقررات معاهداتی و عرفی در حمایت و حفاظت از محیط‌زیست حکایت از آن دارد که نظام بین‌المللی ناظر بر محیط‌زیست به مرور زمان و در اثر تحولات گسترده واجد تعهدات حقوقی عرفی و قراردادی قابل توجهی گردیده که هرچند تماماً از وصف قاعده آمره برخوردار نیست، اما برخی از مقررات مندرج در آن را می‌توان واجد وصف حقوق بین‌الملل عرفی و تعهدات عام‌الشمول دانست.

تشکر و قدردانی

تمام شایسته است مراتب قدردانی خود را از سردبیر و مدیر داخلی محترم نشریه اقیانوس‌شناسی جناب آقای دکتر اکبریور و تیم ایشان اعلام دارم.

تعارض منافع

این مقاله بر اساس «تعارض حرفه‌ای و مالکیت فکری: ارتقای سازمانی و نظریات تخصصی شخصی اینجانب به‌عنوان نویسنده مسئول گردآوری شده است.»

یا

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.»

منابع

- [1]. Maryan Green, *International Law, Law of Peace*, 3rd edition., London: Pitman Publishing, 1987 .
- [2]. G.A. Res., "Report of the International Law Commission, Para. 3 (c). 3071 (XXVIII) of 30 November," 1973.
- [3]. J. Combacau and D. Alland., "Primary and Secondary Rules in the Law of State Responsibility: Categorizing International Obligations, *Netherlands Yearbook of International Law* , Volume 16 , December 1985 , pp. 81 - 109, Published online: 07 July 2009 : by Cambridge University Press, 2009 .
- [4]. U.N. GAOR., "Analytical Guide to the Work of the International Law Commission, Report of the International

- [24]. South China Sea Arbitration (The Republic of the Philippines v the People's Republic of China) (2016) PCA, paras 940–941..
- [25]. Report of the International Law Commission on the Work of its Twenty-Eighth Session, UN. GAOR, 28th Session, No.10, UN.DOC. A/28/10, 1976, p. 96. Cited in Catherine Tinker, Responsibility for Biological Diversity Conservation under International Law, 28 Va.
- [26]. Leslie C. Green, State Responsibility and Civil Reparation for Environmental Damage, in Richard J. Grunawalt, John E. King & Ronald S. McClain (eds.), Protection of the Environment During Armed Conflict, ILS, Vol. 69, Issue 1, 1996. .
- [27]. Article 235 of the 1982 Convention on the Law of the Sea..
- [28]. Susan H. Bragdon, National Sovereignty and Global Environmental Responsibility: Can the Tension Be Reconciled for the Conservation of Biological Diversity?, Harvard International Law Journal, Vol. 33, Issue 2, 1992, pp. 381-392.
- [29]. David Freestone, "Modern Principles of High Seas Governance – The Legal Underpinnings", Op.cit, p. 46.
- [30]. Convention on Early Notification of a Nuclear Accident, Sept 26, 1986, 25 I.L.M.,1370; Convention on Assistance in the Case of a Nuclear Accident or Radiological Emergency, Sep. 26, 1989, 25 I.L.M. 1377 .
- [31]. ITLOS Dispute Chamber, Advisory Opinion, 1 February 2011.
- [32]. Southern Bluefin Tuna Cases, Op.cit, paras 77, 79 and 80; The MOX Plant Case, Op.cit, para 84; Case Concerning Land Reclamation by Singapore in and around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), Op.cit, para 99.
- [33]. André Nollkaemper and Dov Jacobs, Shared Responsibility in International Law, MICH.J. INT'LL., No. 34, Issue 2, 2013 .
- [34]. Clause 1 of Article 47 of the plan of international responsibility of governments approved in 2001.
- [35]. Arie Trouwborst, The Practice of Shared Responsibility in Relation to Nature Conservation, In
- [16]. ICJ, Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), proceedings instituted on 21 December 2011. Proceedings joined with Certain Activities carried out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) on 1 .
- [17]. ICJ, Certain Activities carried out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), proceedings instituted on 18 November 2010. Proceedings joined with Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica) on 1 .
- [18]. ICJ, Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), proceedings instituted on 21 December 2011. Proceedings joined with Certain Activities carried out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) on 1 .
- [19]. Reports of International Awards, United Nations (2006), Trail Smelter Case (United States of America vs Canada), 16 April 1938 and 11 March 1941. VOLUME III pp. 1905-1982, p. 1970. Available at: http://legal.un.org/riaa/cases/vol_III/1905-1982.pdf .
- [20]. The fourth principle of the Stockholm Declaration of 1972. https://www.google.com/url?sa=i&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=0CAIQw7AJahcKEwiAz86D247_AhUAAAAAHQAAAAAQAw&url=https%3A%2F%2Fwedocs.unep.org%2Fbitstream%2Fhandle%2F20.500.11822%2F29567%2FELGP1S.
- [21]. Henkin, Louis, et al, International Law: Cases and Materials, American Casebook, West Group: No.1380 (3d edition), 1993, p. 552..
- [22]. Eleftheria Asimakopoulou and Essam Yassin Mohammad, Marine Genetic Resources in Areas beyond National Jurisdiction: A Common Heritage of Mankind, Briefing, February 2019. Available at: <http://pubs.iied.org/pdfs/17498IIED.pdf> .
- [23]. South China Sea Arbitration (The Republic of the Philippines v the People's Republic of China) (2016) PCA, paras 940–941 ..

- [48]. See International Law Commission, "Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts", 2001, Article 48..
- [49]. Lea Brilmayer and Isaias Yemane Tesfalidet, Third State Obligations and the Enforcement of International Law, *International Law and Politics*, Vol. 44, 2011 .
- [50]. Lea Brilmayer and Isaias Yemane Tesfalidet, Third State Obligations and the Enforcement of International Law, *International Law and Politics*, Vol. 44, 2011.
- [51]. Barcelona Traction, Light and Power Case [1970] ICJ Rep 32, paras 33–34..
- [52]. Hadadi, Mehdi, "Evolution in the implementation of the international responsibility of governments," Dadgostar, Tehran, 2011.
- [53]. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v Senegal) [2012] ICJ Rep, Para 68-69..
- [54]. ILC Commentaries on the Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Art. 48, para. 7. For further study on this issue, see: Karl Zemanek, *Op.cit*, pp. 1-52.
- [55]. Annie Bird, Third State Responsibility for Human Rights Violations, *EJIL*, Vol. 21, No.4, (2011), 883–900, p. 892 .
- [56]. Weiss, Edith Brown., "Invoking State Responsibility in the Twenty-First Century", Washington DC: Georgetown Law Faculty Publications and Other Works. 335. 2002 .
- [57]. ILC Report, 53th Session, 2001, p. 126. Available at: <https://legal.un.org/ilc/reports/2001/> and also see <https://legal.un.org/ilc/sessions/53/> .
- [58]. Art. 30 states: 'The State responsible for the internationally wrongful act is under an obligation: (a) to cease that act, if it is continuing; (b) to offer appropriate assurances and guarantees of non-repetition, if circumstances so require .'
- [59]. Part 1 of Article 33 of the international responsibility plan of governments approved in 2001 ..
- [60]. Annie Bird, *Op.cit*, p. 895; Christian Tomuschat and Albrecht Randelzhofer (eds.), *State Responsibility and the* André Nollkaemper, Ilias Plakoefalos, Jessica Schechinger (eds.), *The Practice of Shared Responsibility in International Law*, Cambridge University Press, 20.
- [36]. Articles 5 to 11 of the Convention on Biological Diversity of 1992 and paragraph 1 of Article 3 of the Ramsar Convention approved in 1971 ..
- [37]. Part 1, Article 47 of the plan of international responsibility of governments approved in 2001 ..
- [38]. ICJ Reports, 1949, para. 174, 181-2, Quoted by Mehdi Haddadi, *Evolution in the Implementation of International Responsibility*, Dadgostar Publication, 2019, p. 65.
- [39]. Institut De Droit International, Resolution: Obligations Erga Omnes in International Law, 53 Commission, 2005, Article 1 (a).
- [40]. James Crawford, responsibility to the international community as a whole, 2000, pp 4-5, available at: [http://icil.law.cam.ac.uk/snyderlectoo\(f\).doc](http://icil.law.cam.ac.uk/snyderlectoo(f).doc). And see also: Kyoji Kawasaki, A Brief Note on the Legal Effects of Jus Cogens in International Law, Hitot.
- [41]. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, ICJ Reports, Advisory Opinion, 2004, Para. 159..
- [42]. Christian Tams, *Enforcing Obligations Erga Omnes in International Law*, Cambridge University Press, 2005, pp.309-310.
- [43]. Ziyai Begdali, Mohammad Reza, *Public International Law*, Ganj Danesh Publications, Tehran, 24th edition, 2015, p. 193.
- [44]. Case Concerning Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), ICJ Reports, 1949, p22.
- [45]. ICJ Reports, 2004, Para 155..
- [46]. Report of the Commission on the work of its Forty-Seventh session (Official Records of the General Assembly), Fiftieth Session, Supplement no. 10, (A/50/10), pp. 149-173.
- [47]. Barcelona Traction, Light and Power Company Ltd (Second Phase) [1970] ICJ Rep 32.

- [66]. Jurisdiction of the Courts of Danzig Advisory Opinion, PCIJ, Series B, 1928, No. 15, 17, 18 .
- [67]. LaGrand (Germany v. United States of America), Judgment, ICJ Reports 2001, p. 466, para. 75-77 .
- [68]. The High Seas Alliance, "High Seas Treaty Agreement Reached," The High Seas Alliance, 4 March 2023. [Online]. Available: The High Seas Alliance is a partnership of organizations and groups aimed at building a strong common voice and constituency for the conservation of the high seas. The Alliance is currently made up of 50+ NGOs plus the International Union for the Conserva. [Accessed 15 May 2023].
- [69]. NPG.org, "A treaty to protect the world's oceans has been agreed after a decade of talks," npr, 5 March 2023. [Online]. Available: <https://www.npr.org/2023/03/05/1161187590/a-treaty-to-protect-the-worlds-oceans-has-been-agreed-after-a-decade-of-talks>. [Accessed 26 May 2023].
- [70]. South China Sea Arbitration (The Republic of the Philippines v the People's Republic of China) (2016) PCA, paras 940–941..
- [71]. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands V. United Kingdom and others) See ICJ website for further information, All Contentious cases available at: <http://www.icjci.or>.
- Individual. Reparation in Instances of Grave Violations of Human Rights, Martinus Nijhoff Publishers, the Hague, 1999 .
- [61]. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands V. United Kingdom and others) See ICJ website for further information, All Contentious cases available at: <http://www.icjci.or> .
- [62]. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Judgment, ICJ Reports 2012, 422, paras. 68-69.
- [63]. Edith Brown Weiss, "Invoking State Responsibility in the Twenty-First Century," , Georgetown University Law Center, 96 AJIL, 798-816, 2002, pp. 803-804, Available at: <http://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/335> See also Philip Allott, State Responsibility .
- [64]. the Constitution of the United States and Resource Management Act, New Zealand 1991, 311 (1), 316(1), 338(4) (NZ). Environmental Planning and Assessment Act, Australia, 1979, 123 (N.S.W.), and the Heritage Act, 1977, 153 (N.S.W.){.
- [65]. North American Agreement on Environmental Cooperation, Sept. 8-14,1993, U.S.-Can.-Mex., Art. 14, 32 .

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

barati, A.N., Assistant Professor Nowshahr University of Marine Sciences - - Nowshahr University of Marine Sciences

✉ nezambarati@gmail.com

 0000-0002-0129-6670

taghizadeh, Z., PhD in International Law, United Nations, Swiss Delegation PhD in International Law, United Nations, Swiss Delegation - - PhD in International Law, United Nations, Swiss Delegation

✉ z.taghizadeh.p@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

این قسمت توسط نشریه تکمیل می گردد:

HOW TO CITE THIS ARTICLE



 <http://doi.org/10.52547/joc.14.55.9>

 <http://joc.inio.ac.ir/article-1-1761-fa.html>

 <https://orcid.org/0000-0002-0129-6670>

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.